

گفتگوئی با مهندس رضا دیشیدی،
معاون امور فنی آستان قدس رضوی

همراه با زیارت آستان قدس رضوی

شهر مقدس مشهد، بی‌تردید میان شهرهای کوچک و بزرگ ایران، دارای اعتباری خاص و جایگاهی مقدس و والاست؛ شهری که تمامی رونق و گسترش و حرمت و تقدسش، مدیون وجود آستان مقدس امام هشتم شیعیان جهان، حضرت علی بن موسی الرضا(ع) است.

مشهد مقدس از پس این افتخار والا، رشد می‌کند، و گسترش می‌یابد؛ نخست در رقابت با شهرهای پر قدمت و تاریخی خطهٔ پهناور خراسان همانند نیشابور. و مدت زمانی بعد، نه در رقابت و همسانی، که مشهد مقدس، خود مرکز عمده‌ای در باروری و رشد و توسعهٔ زمینه‌های فرهنگی و هنری و اقتصادی خطهٔ گستردهٔ خراسان می‌گردد. چه بسیارند دانشمندان و فقها و شاعران و نویسندگانی که از این شهر مذهبی پسا می‌خیزند و چه بی‌شمارند تحولات فرهنگی و هنری که تنها از این شهر مقدس سرچشمه می‌گیرد.

چنین است که شناسنامه و هویت شهر مقدس مشهد، برخلاف زمینه‌های ایجاد و رشد و گسترش شهرهای سایر نقاط ایران، تنها بدلیل نیازهای شهری و عوامل ناگزیر ایجاد شهر نیست، که مشهد مقدس در دامان و پیرامون آستان قدس رضوی زاده می‌شود، رشد می‌یابد و به اعتبار می‌رسد.

چندانکه به روایت قاضی نورالله ابن شریف المرعشی شوشتری در «مجالس المومنین»: «مشهد مقدس رضوی در اصل دهی بوده که سناباد نام داشت و از توابع طوس بوده و بعد از آنکه مرقد منور امام رضا علیه السلام در آنجا واقع گردید، به اندک مدتی از اعظم بلاد خراسان شد و شهر طوس منسوخ، بلکه مندرس و مطموس گردید.»

شهر مقدس مشهد اینک قرنهای قرن است که زیارتگاه بی‌شمار مسلمانان مومن و معتقد و دل سوخته‌ای است که از گوشه و کنار ایران و سایر نقاط جهان به شوق زیارت مرقد مطهر حضرت رضا(ع) به سوی این شهر می‌شتابند و جان و دل را صفا می‌بخشند.

* آستان قدس رضوی
برای شهر مقدس مشهد،
یک مرکز عمده و اساسی
است؛ چونان یک قلب
عمل می‌کند.

* اغلب ابنیهٔ آستان
مقدس، در زمان خود،
یک سرفصل عمده در
تحول معماری اسلامی به
شمار می‌آید.

* در برپائی بناهای
جدید، ما اصول منطقی و
اصیل معماری اسلامی و
سنتی ایران را کاملاً در
نظر داشته‌ایم.

اما آستان قدس رضوی سوای تقدس و اعتبار مذهبی اش، جدا از موقعیت معنوی و اسلامی اش، چونان یادگاری ارزشمند در بررسی و شناخت مسایل فرهنگی و هنری اسلامی نیز به شمار می‌آید. مجموعه بناهای کهن و ارزشمند آستان قدس، هریک اسناد گرانبهائی در شناخت تاریخ تحول معماری اسلامی ایران است. هم بر در دیوار این بناهاست که می‌توان به راز و رمز هنر پرشکوه و معنای تزئینی اسلامی آشنا شد و به اوج و رواج هنر کاشیکاری، به منزلت و زیبایی هنر آینه کاری، و به پیچ و خم و نفاست سایر هنرهای ظریفه رسید، که همه حکایت از عشق و شور و ایمان والای هنرمندان مومن و با ذوق و مسلمان این دیار دارد. گزافه گویی نیست اگر ادعا شود که تنها می‌توان از ورای معماری و هنر بکار گرفته شده در آستان قدس رضوی، تاریخ هنر شکوهمند اسلامی ایران را مورد مطالعه قرار داد؛ چه، در هر دوره و زمانه‌ای، هنرمندان مسلمان این دیار، با بکارگیری شیوه و طرحی نوین، تحولات چشمگیر این هنر را در آستان مقدس به ثبت رسانده‌اند.

در طی سالیان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بنا به ضرورت بر پایی و ایجاد بناهایی در ارتباط با نیازهای میرم فرهنگی و خدماتی زائرین و نیز گسترش محوطه خارجی آستان مقدس، بدلیل افزونی جمعیت زائرین، مقدمات اجرای طرحی جامع و گسترده آماده می‌گردد. در این طرح تنها هدف بر پایی بنا و یا بناهایی متعدد و نوسازی و گسترشی بی مطالعه و پژوهشی عمیق در میان نیست، که کوشش عمده بر آنست تا طرح با همه گستردگی، جوابگوی حرمت و حریم آستان مقدس باشد و چونان الگو و نمونه‌ای ماندنی، فراخور شأن و منزلت مقام هشتم شیعیان، نه تنها بدین دوران، که برای آیندگان نیزه چسبنین است که در این طرح گسترده و جامع، بیش از همه امور، ضرورت احیای منطقی ارزش‌های معماری اسلامی و سنتی این دیار

مورد نظر قرار می‌گیرد؛ همان ارزش‌هایی که در واقع، نموداری از حفظ مبانی مذهبی و معنوی و اخلاقی مردم مسلمان این خاک است و نوعی باز یافتن معیارهای اصیل و چه بسا فراموش شده معماری و هنر سرزمین ما و پراکندن غبار از چهره آن.

امروز، در شرایطی که طرح ایجاد بناهای متعدد مذهبی، فرهنگی و خدماتی همانند: مسجد و کتابخانه و بیمارستان و... در دست اجراست، با قصد و نیت آشنایی و شناخت ارزش‌های نهفته در اجرای این طرح گسترده و ماندنی که با مدیریت و نظارت تولید محترم آستان قدس، آیت اله واعظ طبسی، این عاشق دلسوخته بارگاه رضوی، و تلاش و زحمات خستگی ناپذیر مسئولان فنی و اجرایی در دست انجام و اقدام است، با مهندس رضا دیشیدی، معاون فنی آستان قدس رضوی به گفتگو نشسته‌ایم. باشد تا از ورای این گفتگوبه گوشه‌هایی از مسایل و ارزش‌های این طرح گسترده در دست اقدام راه یابیم.

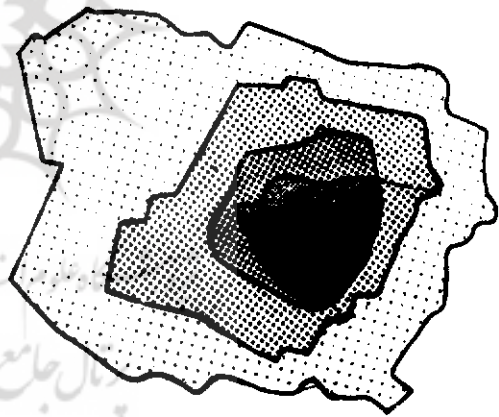
فصلنامه هنر

تردیدی نیست که برای شناخت ارزش‌های مذهبی و معنوی و هنری آستان قدس رضوی، باید نخست به تاریخچه شهر مقدس و مذهبی مشهد راه یافت؛ شهری که تمامی تحولات اجتماعی و تاریخی و اقتصادی‌اش مدیون قرارگیری آستان قدس رضوی است. خوب است در این آغاز بحث و گفتگو مروری داشته باشید بر شناسنامه و تاریخچه مشهد و بطور کلی حوادث و رویدادهای عمده تاریخی و اجتماعی این شهر.

• یقیناً نگاه به شرایط تاریخی و شناسنامه مشهد مقدس، مدخل منطقی و خوبی در شروع این بحث است؛ چرا که بی‌شناخت گذشته‌های این شهر، نمی‌توان به اهمیت و اعتبار آستان

مقدس امام هشتم شیعیان جهان حضرت علی بن موسی الرضا(ع) راه پیدا کرد. بنده، هر چند مورخ و محقق و پژوهشگر نیستم، اما با بضاعت و توان ناچیز یک سازنده که عمده دوران زندگی و تجربه حرفه‌ای اش را در کار مرمت و بازسازی ابنیه حرم مطهر گذرانده است، می‌کوشم تا مگر مروری هر چند گذرا و خلاصه بر تاریخچه شهر مشهد و همگام با آن، به تحولات دوران مختلف تغییرات معماری آستان مقدس داشته باشیم:

از چند و چون موقعیت خطه پهناور خراسان در ایران باستان که بگذریم، در اوایل دوره اسلامی، خراسان شامل تمامی ایالاتی می‌شد که در شرق کویر لوت تا کوههای هندوستان قرار داشت. در این عصر خراسان را شامل چهار بخش عمده می‌یابیم: بخش‌هایی در برگرفته شهرهای



محدوده شهر تا:

سال ۳۸۴ هـ - ش

سال ۴۷۲ هـ - ش

سال ۷۷۵ هـ - ش

سال ۱۲۴۰ هـ - ش

بزرگ همانند نیشابور، هرات، مرو و بلخ، که در این میان، بخش نیشابور در ناحیه جنوب خراسان قدیم و شمال خراسان فعلی، مشهد مقدس را نیز در خود جای داده است.

شکی نیست که شناسنامه و مسایل تاریخی مشهد را همانگونه که شما یاد آوری کردید، باید در رابطه تنگاتنگ و ضروری بر پایی آستان مقدس حضرت رضا(ع) دنبال کرد. اما خوب است در نگرش به سیر تاریخی و گسترش مشهد مقدس دو محور موازی و همپا را در نظر بگیریم: یک محور که تا زمان حمله مغول به ایران را شامل می‌شود و محور دیگر که از این زمان به بعد توسعه و شکل‌گیری و رشد تدریجی بناهای اطراف بقعه مطهر و شهر را در برمی‌گیرد.

اما برای شناخت خط سیر تحولات تاریخی - اجتماعی مشهد ناگزیر می‌بایست پنج دوره مختلف از زندگی شهر را مورد مطالعه قرار داد. دوره نخست که در واقع شامل دو قرن اولیه اسلامی می‌شود و بطور تقریب تا سال ۲۰۲ هجری بطول می‌انجامد، خطه پهناور خراسان همانند سایر بلاد ایران، گرفتار ناآرامی و آشوب است. ایرانیان که زیر سلطه و سیطره ظالمانه حکام اموی و عباسی قرار دارند، در برابر این همه ظلم و ستم سر به شورش بر می‌دارند.

هارون الرشید، خلیفه عباسی، به سال ۱۷۵ هجری، فصل بن یحیی برمکی را حکمران خراسان می‌کند. مدت زمان حکومت یحیی برمکی طول نمی‌کشد که علی بن عسیب بن ماهان به جای او به حکمرانی خراسان برگزیده می‌شود. او که مرکز حکومتی خود را در شهر بلخ

قرار داده، ظلم و تجاوز و ستم را به مردم خراسان پرداخته‌تر از حکام گذشته دنبال می‌کند. چنین است که در زمان این حاکم جبار، خطه خراسان به سرکردگی رافع بن نصر بن سیار سراسر آشوب و ناآرامی و اعتراض می‌شود. هارون الرشید برای فرو نشانیدن آتش این آشوب‌ها و رفع غائله رافع به سال ۱۹۳، با سپاهیان خویش به خراسان می‌آید و پس از چندی توقف در نیشابور، عازم طوس می‌گردد. مرگ هارون الرشید در این شهر اتفاق می‌افتد. شاید به همین دلیل باشد که وی را در باغ حمید بن قحطبه طایی، حاکم طوس که واقع در دهکده‌ای باصفا با نام سناباد است و در کنار شهر نوغان قرار دارد، به خاک می‌سپارند.

نوغان، اکنون یکی از محلات شهر مشهد شده و چون در خارج از دروازه نوغان، محلات جدیدی احداث نشده، آبادی نوغان قبل از اسلام، اکنون در وسط شهر مشهد واقع گردیده است. در مقابل، مأمون، جانشین هارون الرشید، در ظاهر برای دلجویی از علویان و در اصل، جهت پیاده کردن مقاصد شوم خود، از ارادت و عشق مردم مسلمان خراسان به آل علی (ع) سود می‌جوید و از امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) دعوت به خراسان می‌نماید. امام بزرگوار با قبول این دعوت، به طرف خراسان حرکت می‌نمایند و در سال ۲۰۰ هجری وارد شهر نیشابور می‌گردند. اقامت آن حضرت در نیشابور، بنا به روایت «تاریخ الحاکم» چندی بطول می‌انجامد. حضرت رضا (ع) مدتی را نیز در مرو می‌گذرانند. اما سرانجام در سال ۲۰۲ و به روایتی ۲۰۳ هجری بنا به توطئه و نیرنگ مأمون به شهادت

می‌رسند. بنا به اقوال تنسی چند از مورخین مذهبی، مأمون، دگر بار برای سرپوش نهادن به ننگ و گناه نابخشودنی خود و نیز ادامه فریب مردم، جنازه مطهر آن حضرت را با احترام هر چه بیشتر تشییع می‌کند و خود در حالیکه دستار از سر برداشته است، پا برهنه در این مراسم شرکت می‌کند و دستور می‌دهد جنازه پاک امام بزرگوار را بر بالای سر پدرش دفن کنند.

دعبل بن علی الخزاعی، شاعر معروف در مورد دفن بدن مبارک حضرت رضا در جنب مدفن هارون در همان زمان چنین گفته است:

قبران فی طوس خیر الناس کلهم

وقبر شوهم هدا من العبر

ما ینفع الرجس من قرب الزکی وما

علی الزکی یقرب الرجس من ضرر

این اشعار، بخط ثلث در بالای دیوار شرقی مسجدبالاسر مبارک با کاشی نوشته شده است. از این زمان به بعد بقعه مطهر، زیارتگاه شیعیان گوشه و کنار ایران می‌شود و این مکان که تا قبل از آن محلی ناشناخته در سناباد بود، به مشهدالرضا شهره می‌شود.

اما دوره دوم را می‌توان از اوائل قرن سوم هجری تا سال ۸۲۱ محدود کرد و شناخت؛ یعنی همان سال برپایی و ایجاد مسجد جامع گوهرشاد.

در زمان طاهریان، مرکز حکمرانی خراسان، شهر بزرگ نیشابور است. سال ۲۵۹ یعقوب لیث صفار به عزم تسخیر نیشابور، لشکر بدین شهر می‌کشد و حکومت طاهریان را بر می‌اندازد. در اینکه مشهدالرضا از پس براندازی حکومت



محدوده شهر در سال ۱۲۴۰



محدوده شهر در سال ۱۳۳۰

مجمع شهری که در اطراف بقعة مطهر بوجود آمده، کشیده می شود. خوب است از این حصار در رابطه با شکل بخشیدن ابتدایی به محدوده شهر مقدس مشهد یاد کنیم. مسعود غزنوی هم در دوران خود حصار در اطراف بقعة مطهر بنا می کند. مسجد بالاسر مبارک هم به عنوان دومین بنا در محل، وسیله ابوالحسن دبیر عراقی وزیر سلطان مسعود غزنوی بر پا می گردد.

در دوره سلجوقیان چون بر اثر حمله غزان در سال ۵۴۸ هجری به بنای آستان متبرک، ویرانی و صدمه فراوان وارد آمد و چند سال بعد

طاهریان تحول و توسعه ای یافته باشد، مدارکی در دست نیست. تنها می شود دریافت که در عهد سامانیان، مختصر توجهی به مرقد مطهر و بنای اولیه آن می گردد.

مشهدالرضاء در حقیقت، در نیمه اول قرن چهارم هجری، یعنی دوران حکومت دیلمیان مورد توجه قرار می گیرد. در این زمان است که نخستین سنگ بنای گنبد و بارگاهی نسبتاً در خور منزلت و مقام امام هشتم بر پا می گردد و بر تعداد زائرین افزوده می شود. مشهدالرضا گسترش و توسعه ای نسبی می یابد. مردم شهر و زائرین در اطراف حرم مطهر سکونت می گزینند. پس بازار و مغازه های متعدد بر پا می شود. خانه هایی بنا گردیده و بدین ترتیب بافت نخستین زندگی شهری، گرداگرد حرم مطهر شکل می گیرد.

اما این توسعه و رونق، مدت زمانی بطول نمی انجامد؛ بدین معنی که در نیمه دوم قرن چهارم هجری، سبکتکین غزنوی، گذشته از ویران کردن گنبد و بارگاه حضرت، شدیداً از زیارت مردم جلوگیری می کند. محمود غزنوی بعد از این ویرانی، به جاکم نیشابور دستور می دهد تا بنای قبر مطهر بار دیگر بر پا شود. از قرائن چنین استنباط می شود که شیوه معماری مرقد مطهر، دنباله سبک خراسانی است که نظیر آن را می توان در آرامگاه ارسلان جاذب، سپهسالار محمود غزنوی در سنگدست دید، این شباهت تا بدانجاست که حتی می توان تصور کرد معماری واحد هر دو بنا را بر پا کرده باشد.

در اوائل قرن پنجم هجری، سوای تغییر قسمتی از بقعة مطهر، برای اولین بار حصار بدور منطقه

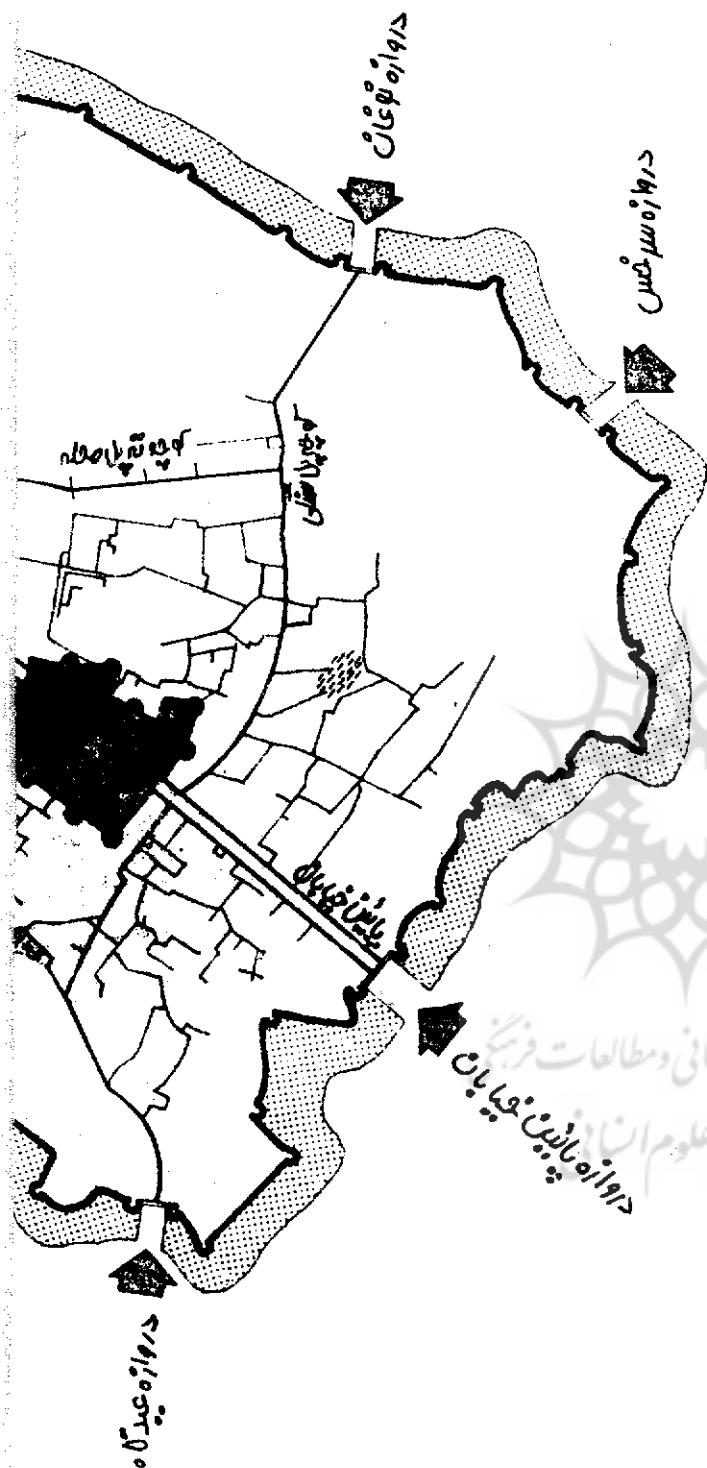
شرف الدین ابوطاهرین سعدبن علی القمی به
 هزینه شخصی خود و یا به وکالت از طرف سلطان
 سنجر، آنرا تعمیر و احیا نمود که شاخص آن،
 کاربرد کاشی های شش ضلعی و هشت ضلعی
 است.

در دوره حکومت خوارزمشاهیان، خطه
 خراسان تا حدودی روی سکون و آرامش می بیند.
 اما زمانی نمی گذرد که با حمله مغول ها به ایران،
 خراسان نیز شاهد کشتار و ویرانی می گردد.
 شهرهای بزرگ خراسان همانند مرو، زاوه (تربت
 حیدریه)، طوس و نیشابور وسیله مغول ها غارت
 می شود. بقعه مطهر حضرت رضا (ع) نیز بی نصیب
 از این ویرانی نمی ماند. نیشابور بدلیل مقاومت
 مردمش، وسیله مغول ها با خاک یکسان می گردد.
 اغلب مردم قتل عام می شوند و آنها که می مانند
 مهاجرتی گزوهی را به سوی نوغان و سناباد آغاز
 می کنند. بدنبال این مهاجرت ناگزیر، نوغان و
 سناباد بتدریج توسعه می یابند، حتی یکی
 می شوند. مشهد مقدس از این زمان، شهری آباد و
 پرجمعیت و گسترده در قیاس با سایر شهرهای
 بزرگ اما ویران شده و شکسته خراسان قلمداد
 می شود.

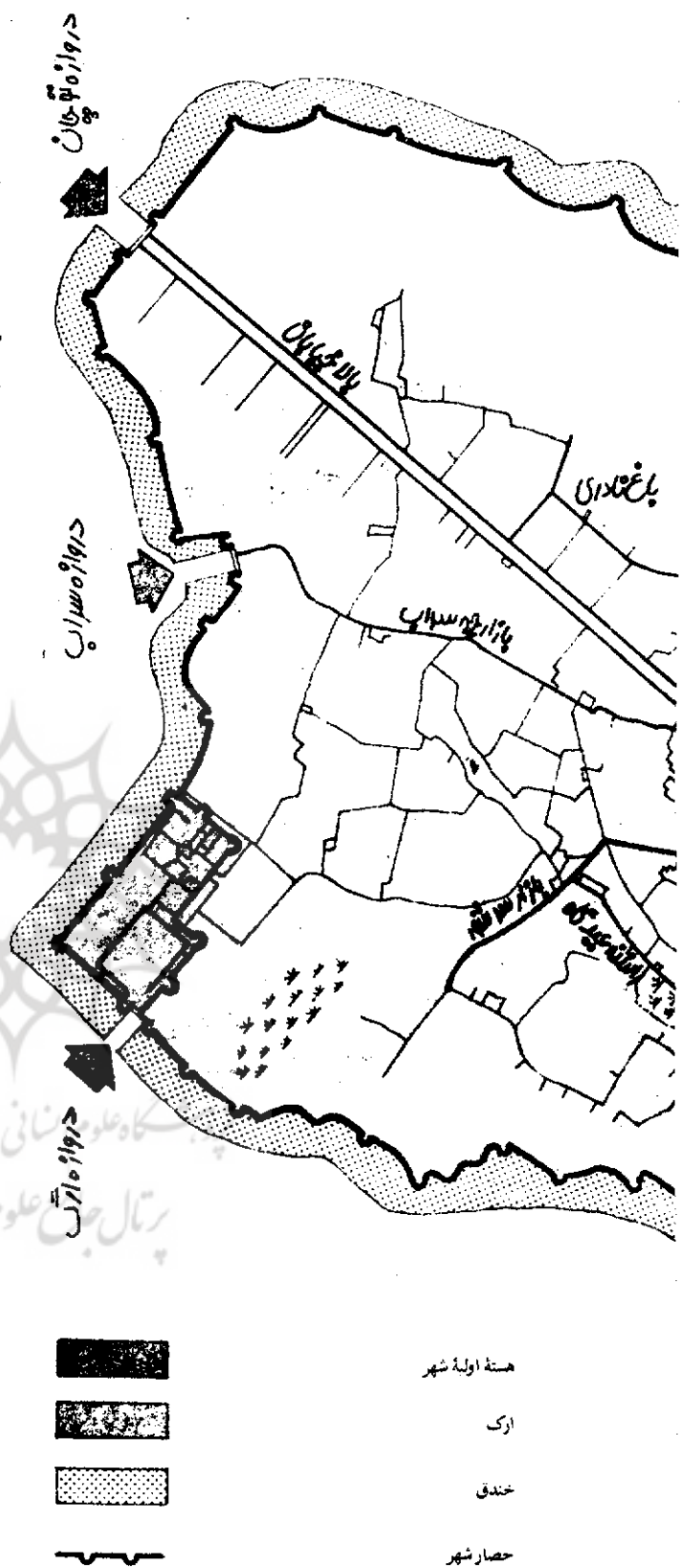
سال ۷۰۰ هجری قمری، غازان خان، ایل خان
 مغول می کوشد تا مگر به ترمیم خرابی ها پردازد.
 در زمان اوست که اولین گنبد مرتفع بر شانه
 دیوارهای حرم مطهر بنا می گردد و پس از او،
 سلطان محمد خدا بنده ملقب به الجایتو بهادر،
 شهریار شیعی مذهب مغول، به تعمیر آن همت
 می گمارد.

اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم دوران رونق

شهر مشهد در عهد ناصرالدین شاه قاجار



و آبادانی شهر مقدس مشهد است. اما این رونق نیز دیری نمی‌پایید. چه، با حوادثی که در طی سالهای اول دوره تیموری بر شهر طوس می‌گذرد، مردم این شهر ناچار طوس را ترک می‌گویند و به سناباد و یا مشهد بزرگ می‌روند و در جوار مرقد مطهر پناه می‌جویند. شهر طوس، مدت زمانی بعد، خالی از سکنه و حتی غیرمسکونی می‌گردد و مشهد مقدس از این دوران است که مرکز و حکومت‌نشین خراسان پهناور می‌گردد. پس از گذشتن دوران مغول، چون نوبت به جانشینان امیر تیمور رسید، بناهای اطراف حرم بغیر از مسجد بالاسر مبارک و راهروهای آن تخریب و در سال ۸۲۱ هجری با برپایی مسجد جامع گوهرشاد و چند بنای دیگر در اطراف حرم مقدس، بیکباره آستان مقدس رضوی رو به گستردگی می‌نهد. و از حالت بقعه‌ای واحد، به مجموعه‌ای نسبتاً آباد تغییر شکل می‌دهد. مردم با ایمان و معتقد، زائرین دل سوخته، هرکدام به سهم و توان خویشتن، املاک و هدایایی وقف آستانه مبارکه می‌نمایند. بعد از برپایی مسجد گوهرشاد، می‌شود دوره سوم حیات مشهد را بررسی کرد. این دوره را که تا پایان حکومت سلاطین صفوی بطول می‌انجامد، باید روزگار شکوفایی و رشد و عمران مشهد مقدس نامید. معماری ظریف و پرشکوه اسلامی این دوران، مجموعه بناهای اطراف حرم مطهر را متحول می‌کند. بناهای تازه‌ای بر پا می‌گردد. هنر تزئینی پیشرفته این عصر، شکوه زیبایی خاصی به تزیینات ابنیه آستان مقدس رضوی می‌بخشد و این ابنیه گسترش می‌یابد و صحن عتیق مدارس



میرزا جعفر و خیرات خان و رواقهای توحیدخانه، گنبد اللهوردیخان و گنبد حاتم بیک ایجاد می‌شود و خیابان اصلی شهر که همان بالا خیابان و پائین خیابان باشد، احداث می‌گردد و مشهد مقدس تا آنجا گسترش می‌یابد که سایر شهرهای بزرگ خراسان، همانند نیشابور، از توابع آن می‌گردند و مشهد، مرکزی حساس و عمده در نشر مسائل مذهبی، فرهنگی و هنری می‌شود.

دوران چهارم زندگی و حیات مشهد، بعد از سقوط صفویه، باید مورد بررسی قرار گیرد، درست است که شهر، دیگر آن روند رونق و آبادانی را ندارد، اما بهرحال، در دوره افشاریه و زندیه نیز، کارهای مختلف و گوناگونی در توسعه آن و بویژه در توسعه آستان مقدس انجام می‌پذیرد. بعنوان مثال، در زمان نادر، گلداسته ایوان عباسی بنا می‌شود و طلاکاری ایوان صحن عتیق به پایان می‌رسد.

اما توسعه و گسترش دگر باره آستان مقدس رضوی را باید در دوره قاجاریه دید. که با ادامه سبک معماری و هنر عهد صفوی، گذشته از ایجاد بناهای تازه، مثل صحن جدید و رواق دارالسلامه و مدرسه پایین پای مبارک و غیره، این مجموعه، بالاترین حد تکامل فیزیکی و توسعه و گسترده‌گی را می‌یابد.

با به توپ بستن حرم مطهر و گلوله باران شهر مقدس مشهد در سال ۱۳۴۰ ه. ق توسط عمال دولت روسیه تزاری در اواخر دوره قاجاریه، دوران پنجم تاریخ مشهد مقدس شروع می‌شود و تا دوران معاصر ادامه می‌یابد.

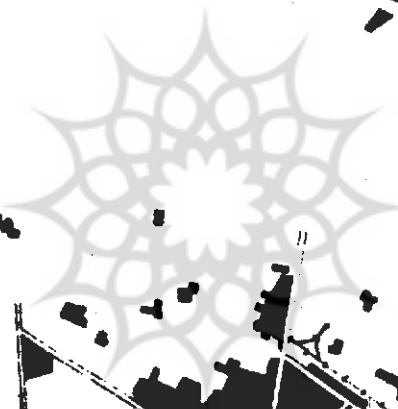
به گمان ما، در این تقسیم‌بندی که شما قائل

شده‌اید، دوره پنجم تحولات شهری و اجتماعی و اقتصادی مشهد مقدس می‌بایست از حساسیت و دگرگونی ویژه‌ای برخوردار باشد، زیرا که ما از یک سوبانوعی گسترش و نوسازی پر دامنه شهر و برویم که بیکباره مشهد مقدس کهنه را از هویت و اعتبار قدیمی‌اش دور می‌سازد و از دگرسوی، ضرورت گسترش هر چه بیشتر شهر بدلیل افزونی جمعیت، بویژه زائرین، امری اجتناب‌ناپذیر است. اما آنچه مهم است برخورد غیر منطقی و شاید هم حساب شده و منطقی از نقطه نظر اعمال سیاست‌های زمامداران وقت با این شهر مذهبی معتبر است. چه، از یاد نبریم که این سرنوشت، یعنی نوسازی و گسترش، بسیاری از شهرهای قدیمی ما را بیکباره از اصل و اعتبار خود دور ساخت، اما در مورد شهر مقدس مشهد وضع به گونه‌ای دیگر مطرح بود.

● بله، ما در دوره پنجم تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مشهد مقدس، ناگزیر به مطالعهٔ مرحله‌ای فرعی و جداگانه‌ایم، در مرحلهٔ نخست این دوره که تا سال ۱۳۰۸ ه. ش و شاید ۱۳۱۰ ه. ش ادامه پیدا می‌کند، شهر، بافت کهن و اصیل قدیمی تاریخی خود را حفظ کرده و تخریب و تغییری آنچنان در آن صورت نگرفته است. اما بیکباره از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ه. ش یعنی دوران قدرت حکومت رضاخان، سیمای شهر دگرگون می‌شود. سیاست اصلی این است که شهرها را نوسازی و به اصطلاح گسترش دهند. در مشهد بنا ایجاد خیابانهای طویل سراسری، میدان و فلکه، قسمت‌هایی از بافت کهن و تودرتو و منسجم شهر ویران می‌شود. آخرین حصار شهر که تقریباً روبه ویرانی است، از میان برده می‌شود. ارک حکومتی یا دارالحکومه



محدوده شهر در سال ۱۳۲۳



محدوده شهر در سال ۱۳۴۸

را خراب می‌کنند و جای آن، ساختمان بانک ملی را بنا می‌سازند و این نخستین گام‌ها در تغییر چهره و اصالت شهر است. زیرا قبل از این اقدامات، شهر مقدس مشهد دارای طرح شعاعی و یک خیابان اصلی، همانند سایر شهرهای بزرگ و قدیمی ایران بود که تمامی بافت و رابطه‌های کوچک و بازار شهر را جذب می‌کرد. اما بعد، با احداث خیابان امام خمینی (پهلوی سابق) در حاشیه غربی شهر قدیم (هسته قدیمی شهر) و در کنار محل ارک سابق، محور اصلی گسترش شهر را به سوی مغرب شهر کشاندند و بتدریج بناهای متعدد تجاری، فرهنگی و اداری در این قسمت بر پا گردید. با این همه، بافت کهن که شامل محله‌های دور حرم مطهر، بالا خیابان و پائین خیابان و مجموعه بازار و محلات قدیمی بود، همچنان با حفظ موقعیت معتبر تجاری و فرهنگی خود، در برابر این گسترش و نوسازی مقاومت می‌کرد.

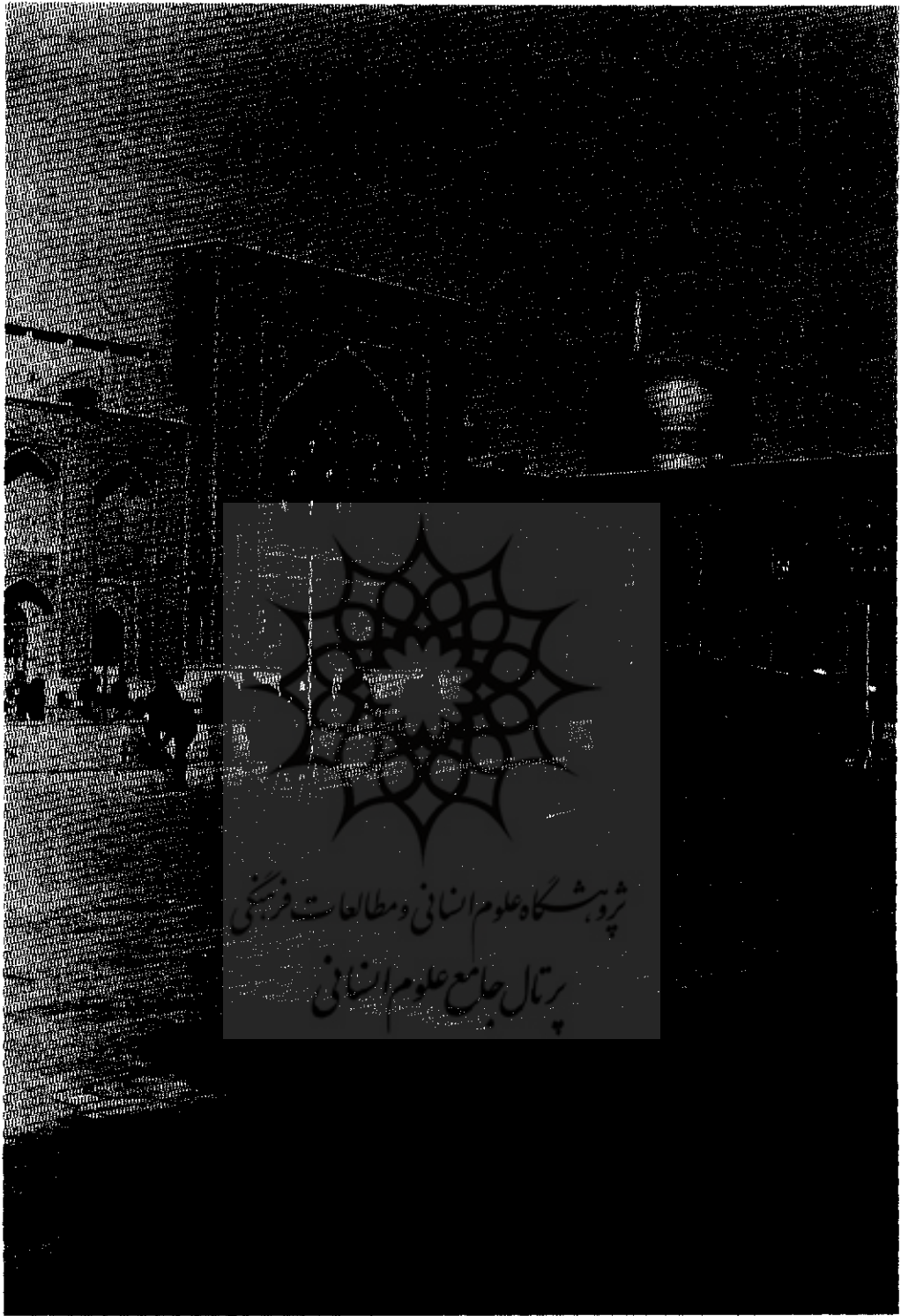
مرحله سوم که سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ را شامل می‌شود، مرکز جدید شهر که بر محور خیابان پهلوی سابق بنا می‌گردد، با ایجاد بناهای جدید اداری و فرهنگی، مغازه‌های مختلف، هتل‌ها، روزبروز قشر بیشتری از جمعیت را جذب می‌نماید و در نتیجه این رونق، مرکز قدیمی شهر، بتدریج از اعتبار تجاری اش کاسته می‌شود. اما از یاد نباید برد که با وجود آستان مقدس و سایر ابنیه مذهبی و تاریخی در بافت قدیمی شهر، تلاش در متروک ساختن بافت قدیمی مشهد بی‌ثمر بود و بی‌فایده؛ چرا که در این زمان، ما رفته‌رفته شاهد نوعی تجمع بی‌سابقه

در اطراف حرم مقدس هستیم. ایجاد مسافرخانه‌های متعدد و مغازه‌ها در شعاعی حدود ۸۰۰ متر، همچنان بافت قدیمی را چونان قلب و شریان حیاتی حفظ می‌کند.

در مرحله چهارم، یعنی از سال ۱۳۳۰ به این طرف، نخست مشهد مقدس با آهننگ ملایمی رشد می‌کند. اما در دهه اخیر، این رشد دگر بار شتاب زده و سریع می‌گردد. شهر در جهات مختلف توسعه می‌یابد و جمعیت آن رو به فزونی می‌نهد. دو مرکز قدیم و جدید با دو گونه روحیه و ارزش متفاوت مقابل هم قرار می‌گیرند. محور قدیمی شهر، حافظ جنبه‌های سنتی، غنی و اصیل مذهبی، اجتماعی و تجاری است و محور جدید شهر روز به روز مراکز اداری و تجاری تازه‌ای را جذب می‌کند. می‌بینید که شهر از حالت یکدست بودن و یکجا قرار گرفتن دور شده است. معلوم است که این سیاست گسترش شهری بی‌هدف و مقصود نبوده، که علمده هدف آن پراکندن جمعیت و ایجاد خلیات و روحیات متفاوت در مردم و زائرین این شهر بوده است؛ همان نقشه و هدفی که سرانجام با جریان تخریب ابنیه اطراف حرم مطهر در سال ۱۳۵۴ به ظاهر یکسر گردید.

پرواضح است که تخریب بافت اطراف حرم مطهر، نمی‌بایست امری تصادفی و تصمیمی شتاب زده و بی‌تفکر و بدون قصدی خاص و مشخص باشد. هر چند انگیزه چنین تخریبی گسترش و نوسازی اطراف آستان مقدس عنوان شده بود، اما در عمل در می‌یابیم که این اقدام ریشه در اعمال سیاست نظام حاکم گذشته دارد.

● خوب است پیش از بررسی این سیاست



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رسال جامع علوم انسانی

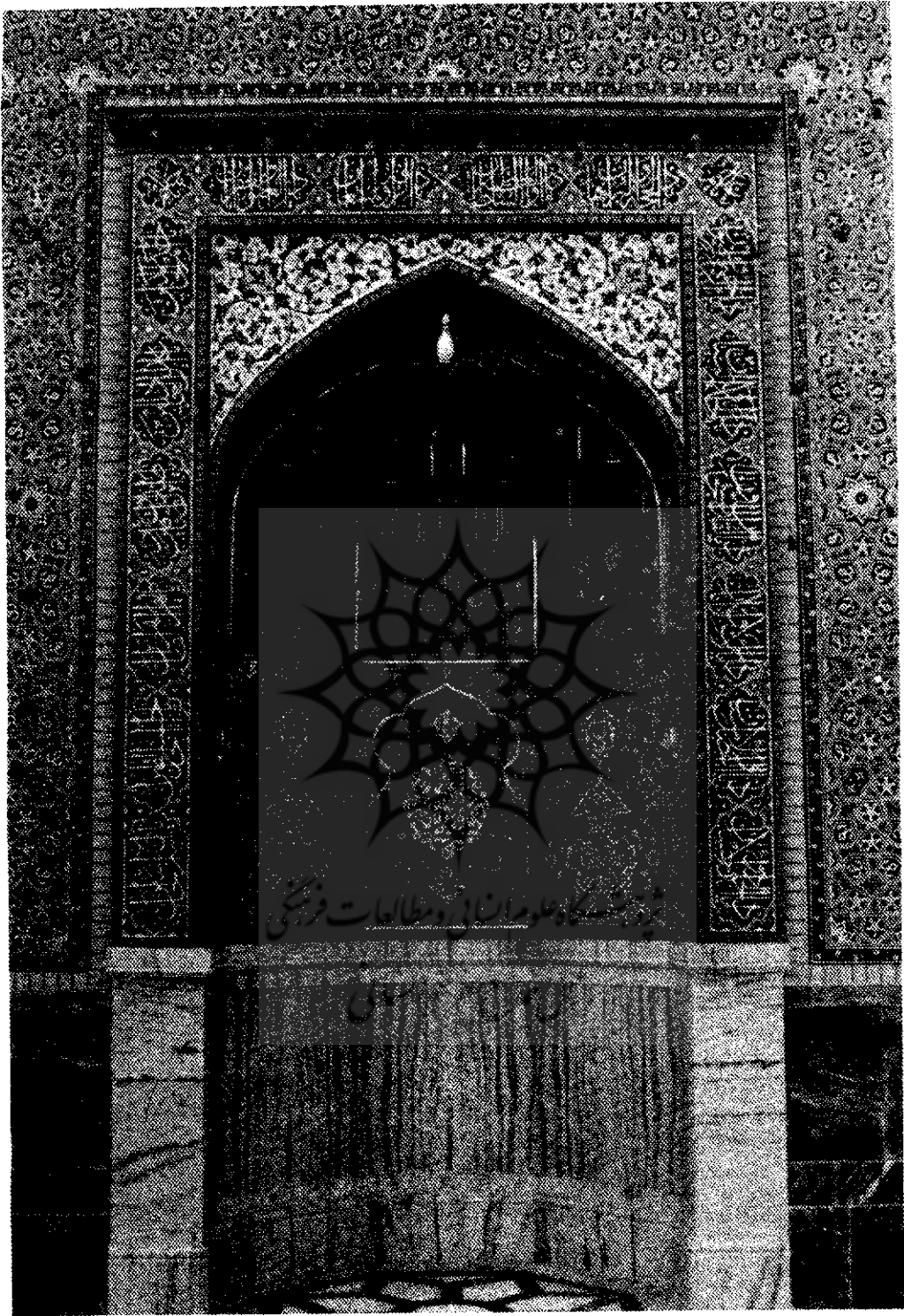
خاص، بحثی داشته باشیم درباره عملکرد بناهای مذهبی و در کل، معماری ایرانی اسلامی خودمان. میدانید معماری سرزمین ما، بویژه معماری اسلامی ما، دارای عملکردی درونگراست؛ همچنانکه مذهب در درون و در متن زندگی مردم ما جا دارد، معماری نیز در متن و بطن زندگی ما جا دارد. به زبان دیگر معماری ایرانی اسلامی دارای حریم و حرمت است، دارای پوشش است و آشکار و عینی نیست. آنقدر که به معنویات مرتبط است، راهی به زرق و برق و جلال و شکوه ظاهری ندارد. حالا بیائیم موقعیت ویژه آستان مقدس رضوی را در نظر بگیریم. یک زیارتگاه معتبر مذهبی با ابنیه تاریخی و قدیمی در حریم پر جمعیت ترین بافت قدیمی شهر، یعنی در قلب و رابطه همیشگی با مردم. پس باید این رابطه را در هم شکست و آستان مقدس را از ارتباط تنگاتنگ شبانه روزی با مردم جدا ساخت. چنین است که تخریبی به شعاع ۳۲۰ متر از مرکز گنبد حرم مطهر انجام می پذیرد. می کوشند تا آستان مقدس را به صورت یک بنای یادبود جلوه گر سازند. قصد این بود تا بدین وسیله بر آن کشش و حال و هوای درونی زائری که بی توجه به جلال و شکوه ظاهری، به قصد ارتباطی درونی و معنوی، پا به درون حرم مطهر می گذارد، لطمه وارد سازند و به عبارت آشکارتر، مردم را برونگرا کنند تا درونگرا. ببینید، ما هرگز منکر اصل نوسازی و گسترش در هر دوره و زمانه ای، بدلیل نیازهای تازه شهری و فزونی جمعیت نیستیم. اما تخریب های بنیانی و با هدف خاص، با تخریب های موضعی متفاوت

است؛ چنانچه بطور مثال، در هر دوره برای گسترده تر کردن ابنیه اطراف حرم مطهر، حکام و زمامداران وقت، ناگزیر به تخریب بخشی از بافت کهن شهر بوده اند، همانگونه که در دوره تیموریان برای برپایی مسجد جامع گوهرشاد نیز این تخریب انجام شده.

اما در نظام گذشته، قصد از تخریب، بی تردید به لحاظ برآوردن نیاز مردم نبوده، بلکه هدف، اعمال تفکر وایدئولوژی خودشان، ایجاد زرق و برق، بنای یادواره ساختن و همانطور که اشاره کردم قطع رابطه تنگاتنگ مردم با حرم مطهر بوده است. اگر ما عملکرد و ضرورت بخش های مختلف ابنیه آستان مقدس رضوی را بشناسیم، بهتر و منصفانه تر می توانیم قضاوت کنیم. میدانیه که مجموعه ابنیه آستان، متشکل از بخش هایی است که در ابتدای هر کدام یک «بست» قرار دارد. «بست» از یکسو محل ارتباط فضای بیرونی آستان مقدس با فضای شهر است و از دیگر سوبه صحن مطهر مسدود می شود و نخستین مکانی است که هر زائری برای راه یافتن به صحن مطهر باید از آن بگذرد. «بست» حالت برزخ را دارد؛ فضایی بین زندگی معنوی و زندگی مادی و عادی است. انسان، وقتی از درون زندگی روزمره عادی و جاری، پا به درون «بست» می گذارد، تا اندازه ای از زندگی مادی جدا می شود و راه می افتد به طرف یک دنیای معنوی و به سوی طلب و نیازی غیر مادی. در «بست» چنین آمادگی ایجاد می شود. بعد پا به درون صحن مطهر که می گذارد، خود را در فضایی می بیند سراسر پرمعنا و خلوص. او در اینجا دیگر

از زندگی مادی اش بیشتر جدا می‌شود. در محفل کفش‌کن که می‌رسد، جائیکه باید دستور را اجرا کند: فاخلع نعلیک انک بالوادی المقدس طوی. باید از جاه‌طلبی‌ها و غرور چشم‌پوشده، و پا برهنه شود و خاضع باشد؛ همین است که آمادگی روحی اش برای زیارت افزون می‌شود. از رواق‌ها می‌گذرد، در هر رواق به تعالی روحی بیشتری می‌رسد و حالات روحانی او آشکارتر می‌شود، تا آن وقت که پا به درون حرم مطهر می‌گذارد. اینجا دیگر او از خود بیخود و شیفته و پرنیاز، دست به دعا بر می‌دارد و به زیارت می‌نشیند.

حالا فرض کنید چنانچه ما آمدم بست و یا صحن را برداشتیم و کفش‌کن یا رواق را نادیده گرفتیم، در این حالت آیا ما لطمه بر تمامی این آمادگی‌های روحی و معنوی نزده‌ایم؟ یعنی نیامده‌ایم حرم مطهر را در جریان زندگی مادی و قیل و قال‌های روزانه و مسایل عادی قرار دهیم؟ در رژیم گذشته، اگر چنین قصدی هم نداشتند نیامدند چونان گذشتگان - که اگر بنایی را خراب می‌کردند، دقیقاً جای همان بنا بنای تازه بر پا می‌کردند - ابنیه مفیدی بسازند، که حالات فوق را تشدید کننده بلکه دست به تخریب زدند و به جای آن، فضای سبز درست کردند، چیزی همانند یک پارک. راه دوری نرویم. وقتی ما به مدینه منوره وارد می‌شویم، قبرستان بقیع برای ما و در ذهن و اندیشه ما جاذبه‌های بسیار دارد، حتی بیاد این قبرستان در وطن خود اشک می‌ریزیم. وارد قبرستان هم که می‌شویم، این حالت در ما زنده است. اما بعد از چند روزی رفت و آمد، این تب‌وتاب تا حدی در ما فروکش می‌کند. حتی



زمانی بعد، امکان دارد از کنارش بگذریم و متوجه آن نشویم؛ چرا که ما انسانها، پیمان در گل است، خواه و ناخواه دارای وابستگی های مادی و روزمره هستیم و بدون فضاهای واسطه و ارتباطی ضروری، شاید روحیه و آمادگی لازمه را جهت زیارت و دعا بدست نیاوریم.

نگاه کنید که این تخریب ماهرانه، چگونه می‌خواهد این ارتباط را قطع کند: نخست شش هزار واحد کسبی اطراف حرم مطهر را که می‌توانستند در حالات ویژه و بحرانی، خطرناک باشند و مسئله آفرین، از اطراف حرم برمی‌دارند؛ یعنی جدایی مردم از آستان مقدس. بعد هم دیواری می‌کشند در دهانه‌های بافت کهن که اکنون رو به میدان باز می‌شود با چند ورودی به میدان، تا بتوانند در کم‌ترین فرصت و با کم‌ترین نیرو، هرگونه حرکت و واکنشی را کنترل کنند. پس می‌بینید برای نظام گذشته این تخریب بیشتر جنبه ایدئولوژیکی دارد تا گسترش و نوسازی.

بناهای معتبر مذهبی ایران، همانند بقاع متبرکه، مساجد و مدارس، همه گاه در طول تاریخ، عوامل موثر و کارسازی در رشد و گسترش بافت شهرهای مختلف ایران به شمار آمده‌اند. مثال می‌زنیم بطور نمونه مسجد جامع اصفهان را، که بافت کهن شهر در اطرافش رشد می‌کند و توسعه می‌یابد و چه بسیار بناهایی همانند بازار، حمام، مدرسه و کتابخانه و خانه‌های متعدد که در اطراف این مسجد برپا نمی‌شود. و یا حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام در شهر قم و نمونه‌های دیگر، همان بافت اصیل و پر قدمتی که هر چند، شهر به ادوار دیگر گسترش می‌یابد. اما هرگز این محل تجمع شهری از

اعتبار نمی‌افتد. بعبارت دیگر، اگر با ایجاد میدان نقش جهان اصفهان، منطقه‌ای دولتی احداث می‌شود، اما در رقابت با میدان کهنه و شهر قدیمی اصفهان، باز این مسجد جامع است که تعیین کننده تجمع اصلی مردم شهر است. اکنون با توجه به اعتبار و اهمیت آستان قدس رضوی، آیا این تخریب، تنها شامل بناهای اطراف آستان مقدس گردید و یا اینکه بر بافت کهنه و قدیمی شهر نیز لطمه وارد ساخت؟

● آستان قدس رضوی برای شهر مقدس مشهد یک مرکز عمده و اساسی است؛ چونان یک قلب عمل می‌کند. همانگونه که تمامی شریان‌ها به قلب می‌رسند، در اینجا هم تمامی ارتباطات شهری به این مرکز می‌پیوندند. یکی از این راه‌های اصلی، غیر از خیابان فعلی، بازار بزرگ بود؛ بازاری که از صحن کهنه منشعب می‌شد، از جلوی مسجد گوهرشاد می‌گذشت، به مسجد و حمام شاه (سابق) که در زمان صفوی ساخته شده بود، می‌رسید و تا خارج شهر ادامه می‌یافت.

نخست، این رابطه از میان برداشته شد؛ یعنی فضای سبز آمد جلوی این ارتباط را گرفت و قطع کرد. و یا با از میان بردن رابطه بازارچه حاج آقا جان که مرکزش صحن کهنه بود و بناهایی فرهنگی، همانند مدرسه عباسقلی خان، مدرسه دو در، و حمام و کاروانسرا و تیمچه‌ای که در اطراف قرار داشت و تماماً به این مرکز عمده می‌پیوست، بیکباره این بناها ارتباطشان را با حرم مطهر از دست می‌دهند و از آن جدا می‌افتند و یا همچون مدرسه سعیدیه و باقریه تخریب می‌شوند. یعنی که شریان‌های حیاتی این قلب یکی پس از دیگری از کار می‌افتد. معلوم است با این

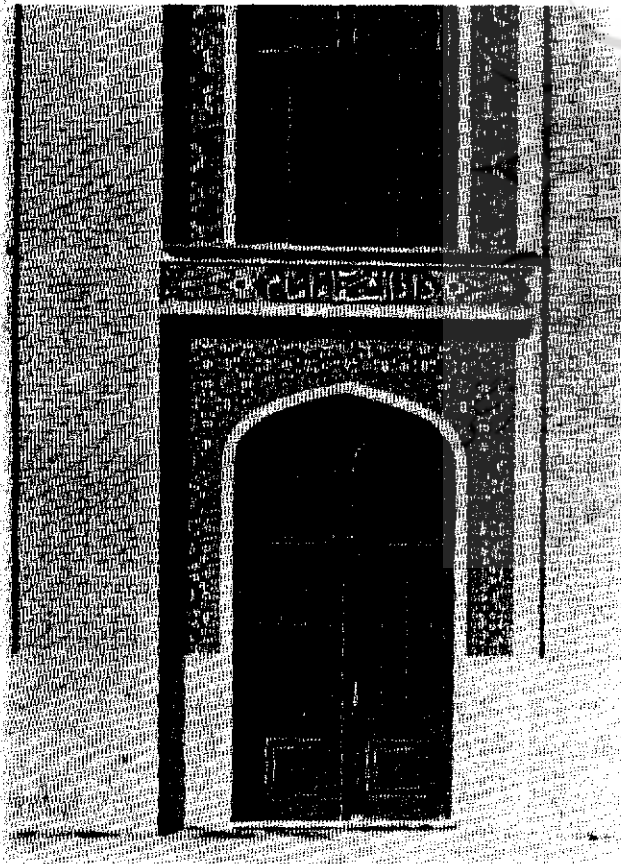
حساب، سایر کوچه پس کوچه ها و خانه ها چه سرنوشتی داشتند.

مجموعه بناهای آستان قدس رضوی، سوای کاربرد معنوی و مذهبی، در طول تاریخ تحول هنر معماری اسلامی ایران، نمایانگر رشد و توسعه و دگرگونی های عمده هنر معماری سرزمین ماست، تا جایی که گاه برخی از این ابنیه، همانند مسجد جامع گوهرشاد، به عنوان نمونه ای ماندنی و چه بسا بی نظیر در عملکرد ماهرانه معماری اسلامی ایران مطرح می شود. با توجه به تجارب و شناخت و آگاهی شما در رابطه با این بناها، آیا می شود گفت در آستان قدس رضوی با چند دوره از تحولات معماری ایران روبروئیم؟

● همانطور که ما معتقدیم دینمان دینی پویاست، معماری ما هم در رابطه با اسلام، دارای همین پویایی است. پس، هر زمان، تحولی و ابداعاتی در کار تکمیل و گسترش این بناها انجام گرفته. صحن گهنة اکنون آن صحنی نیست که در زمان صفویه بنا شده، اگرچه این بنا دارای همان ابعاد و تناسبات اولیه است، اما به دفعات در آن، کارهای تزئینی صورت گرفته. بطور مثال، روضه منوره در ابتدا شکل امروزی اش را نداشته است. ما آمدم فضایش را گسترش دادیم. در ضمن تخریب، وقتی با لایه های درونی گنبد روبرو شدیم، با تکرار کلمه علی (ع) که دریافت آجرها به خط بناثی کار شده بود، مواجه گردیدیم.

این مورد از آنجا برای ما اهمیت داشت که زمان بر پایی گنبد، این ابنیه تماماً در اختیار اهل سنت بوده است. اما می بینیم معمار ما دنبال

اعتقادش و ایمانش می رود، حرفش را می زند. در مجموع ما آنقدر که با گستردگی و تنوع هنرهای ظریفه و تزئینی اسلامی در آستان قدس رضوی روبرو هستیم، با معماری و تغییرات عمده این هنر مواجه نیستیم. در مجموعه بناهای آستان قدس، شما می توانید خط سیر کامل خوشنویسی را دنبال کنید، یادگار کلک خوشنویسان نامی را ببینید، انواع کاشیکاری را در مرتبه ممتاز و عالی خود تماشا کنید، از کاشی های ممتاز چینی نما گرفته که در ازاره حرم شریف بکار گرفته شده تا سایر انواع هنر کاشیکاری، همانند معرق و خشت و... بهترین نمونه هنر آینه کاری، در آستان قدس





رضوی بیادگار مانده است، همینطور هنر منببت کاری و قلمزنی و میناکاری و سایر هنرهای ظریفه. معهدا این تنوع و گستردگی مانع از آن نمی‌شود که معماری پرصلابت و شکوه ابنیه آستان قدس را نادیده بگیریم. ما در اینجا دقیقاً نمونه‌های تجربه شده هنر معماران مسلمان و با ذوق این سرزمین را می‌توانیم بچشم بینیم، از شیوه خراسانی گرفته که سقف‌ها کوتاه و پایه‌ها قطور است تا شیوه معماری مسجد جامع گوهرشاد که ارتفاع در بنا رایج می‌شود، و همچنین معماری اصیل و ظریف پیرشکوه عصر صفوی را. اما همانطور که یادآوری کردم، یک بنای دست نخورده را نمی‌شود به عنوان شاخص اصلی و عمده یک دوران در این ابنیه مشاهده کرد. هر زمان آمده‌اند، ادای دینی کرده‌اند، تعمیر کرده‌اند، گسترش داده‌اند، پوشش تزئینی بنا را عوض کرده‌اند و... جایی که تنها در حرم مطهر ما با پنج دوره هنر تزئینی روبرو هستیم. اگر هنرمندان ما در بیرون بنا امکان تغییری نداشته‌اند، به درون حرم آمده‌اند و ادای دین کرده‌اند. یادتان نرود ابنیه آستان مقدس، همانند سایر بناهای دولتی و شخصی نبوده که معماری، در زمانی مشخص، کاری کرده باشد و بعد دیگران هم از آن گذشته باشند. اینجا مکانی است برای هر هنرمند صاحب ذوق و ایمانی که می‌بایست به سهم خود خلاقیت هنری اش را بکار گیرد و در واقع با این خلاقیت، عبادت کند، اظهار خلوص و ارادت نماید. پس با هر دلیل و بهانه‌ای شده است، جایی را، مکانی را برای انجام این عبادت یافته است. همین است که

سبک و شیوه تزئینات، گاه آنقدر زیاد است و متنوع که قابل تفکیک و شناسایی نیست.

ما اصیل‌ترین نمونه‌های هنر معماری ایرانی - اسلامی سرزمین خودمان را بی‌شک می‌توانیم در ابنیه مذهبی مان جستجو کنیم. بدان دلیل که هنرمندان معتقد و دل سوخته ما تنها در این گونه اماکن بوده است که به فرمان دل و نیروی ایمان و عشق، به خلاقیت هنری پرداخته‌اند. سلاطین، اگر چه به ظاهر، عاملین این تحولات هنری هستند، اما مهم، شور و شیفگی و اخلاص هنرمندان ماست. آنها از این موقعیت سود جسته‌اند تا خود ادای دین کنند؛ چه، در این مرحله، دیگر نه زوری در کار بوده است و نه زری. روایت، روایت ایمان و ارادت و عشق است. آیا می‌توان تفاوت یا تفاوت‌هایی در رونق و زیبایی و شکوه این نوع هنر آفرینی در مقایسه با نمونه‌های هنر رسمی و دولتی در هر زمان در آستان قدس مشاهده کرد؟

● بگذارید بگویم نخستین و شاید عمده‌ترین تفاوت ابنیه آستان قدس رضوی و سایر بقاع متبرکه و بناهای مذهبی با بناهای دیگر، چه شخصی و چه دولتی، چه کاخ و چه سرا، در این است که بطور مثال در مجموعه بناهای آستان مقدس حضرت رضا (ع) ما تنها با گروهی و معدودی هنرمند و هنرآفرین روبرو نیستیم. ما با مردم مسلمان، با حضور همه مردم روبروئیم با مردمی روبروئیم که در طی قرن‌ها این ابنیه را برپا می‌کنند، با پول خودشان تعمیر می‌کنند، با حضور خودشان نگاه می‌دارند؛ مردمی که دلشان و آمالشان در این مکان است. پس معلوم است که ابنیه این آستان، متفاوت با سایر بناهای رسمی و



دولتی زمان خویش است و طبیعی است که ما گاه با شگردها و شیوه‌ها و رازورمزی در کار معماری و تزئین آستان مقدس روبرو می‌شویم که نمونه‌اش را در هیچ کاخی، و در هیچ بنای قدیم و جدیدی نمی‌توانیم ببینیم. مشخص است که وقتی مسجد بالاسر مبارک بنا می‌شود، باید آنرا سرفصلی نوین در معماری اسلامی ایران قلمداد کرد که تا ابتدای دوران تیموریان ادامه می‌یابد و معروف به شیوه خراسانی، و سپس رازی، که مدت زمانی طولانی مورد تقلید قرار می‌گیرد و به عنوان نمونه‌ای از خلاقیت و عشق هنرمندانه تلقی می‌گردد. شکی نباید داشت که مسجد جامع گوهرشاد، خود یک سرفصل عمده دیگر در معماری مساجد ایران است که در شیوه آذری شاخص است و معماران ما به احترام همجواری آن با مرقد مطهر امام رضا (ع)، در بنای آن سنگ تمام گذاشته‌اند. من تردیدی ندارم که اغلب تعمیرات، بهانه و دستاویزی برای اظهار این ارادت و ایمان بوده است. من زمانی شاگرد پدرم بودم که معرق کار بود و عمری را در تعمیرات آستان قدس طی کرده است. تعریف میکرد وقتی که استاد پدرم مقرنس‌های گنبد اللهوردی خان را که مقداری از مقرنس‌هایش ریخته بود تعمیر می‌کرد، در طول تعمیر، کاغذی از پشت دیوار گنبد پیدا شد. روی کاغذ، تعمیرکاران نوشته بودند: «ما وقتی کار تعمیر این گنبد را شروع کردیم که تخم مرغ، چهل دانه‌اش را یک ریال می‌خریدیم. ما پول کافی نداشتیم که بهتر از این تعمیر کنیم. با این همه این گنبد را تعمیر کردیم، و مقرنس‌ها را رنگ زدیم. اگر

نواقصی می‌بینید، بر کار ما ایراد نگیرید، دستانم تنگ بوده است». استاد پدرم هم روی همان کاغذ نوشت: «ما در عوض تخم مرغ دانه‌ای یک ریال خریدیم، پول هم داشتیم، تعمیر هم کردیم».

می‌بینید، مردم در جای‌جای این ابنیه خودشان را مسئول می‌دانند، احساس وظیفه و تعهد می‌کنند، مقابل آیندگان می‌خواهند جوابگو باشند. پس باید نهایت مهارت و ذوق و هنرشان را آشکار سازند.

من به سهم خویش تعالی هنر اسلامی ایران را مدیون همین ارادت و خلوص و انجام وظیفه

طرح جدید برپایی ابنیه مورد نیاز و گسترش محوطه بیرونی آستان قدس رضوی، باید جوابگوی سرویس دادن به ده میلیون زائری باشد که در طول سال به مشهد مقدس مشرف می‌شوند.

معماران سنتی و باتجربه‌ها، نقش عمده‌ای در اجرا و احیای معماری اسلامی و سنتی طرح ابنیه جدید دارند.

ما به سهم خود، تنها خدمتگزارانی هستیم که با توان ناچیز خویش، افتخار اجرای این طرح را بر عهده داریم، وگرنه، نقش اصلی را مردم مسلمان و انقلابی ما بر عهده دارند.

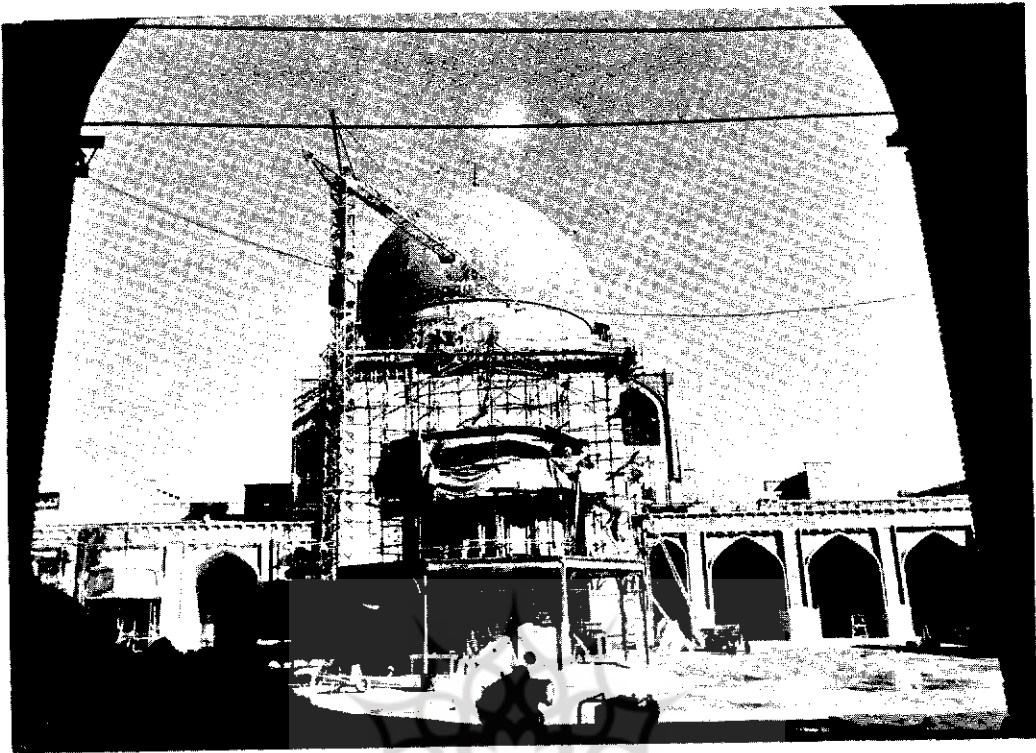
می‌دانم؛ مدیون هنرمندانی که در آستان قدس چشم به جهان گشودند و در همین آستان از دنیا رفتند.

برمی‌گردیم به محور اصلی و اساسی بحث خودمان. بعد از تخریب فضای اطراف حرم مطهر، بار دیگر با ایجاد مقدمات لازم در اجرای طرحی وسیع و گسترده، ما شاهد برپایی بناهایی هستیم که در ارتباط تنگاتنگ با ائمهٔ قدیمی و کهن آستان مقدس قرار دارند. با توجه به اهمیت و حساسیت اجرای طرحی اینچنین بردامنه، شاید ضرورت، این پرسش را پیش کشد که هدف و غایت نظر در انجام چنین طرحی چیست؟

● بعد از آن تخریب گسترده، ما در برابر دو

مشکل اساسی و عمده قرار گرفتیم: نخست بازسازی روند طبیعی اطراف حرم مطهر به شکل و گونهٔ قبل از تخریب، و بعد پاسخگویی به نیازهای خدماتی زائرین محترم آستان قدس رضوی در سطحی بسیار گسترده و قابل قبول؛ طرحی که باید جوابگوی سرویس دادن به ده میلیون زائری باشد که در طول سال به شهر مقدس مشهد مشرف می‌شوند. و طبیعی بود که امکانات موجود، به هیچ وجه نمی‌توانست در برابر این فزونی جمعیت زوار کاربردی دلخواه داشته باشد. همانطور که میدانید ما با زیارتگاهی معتبر و



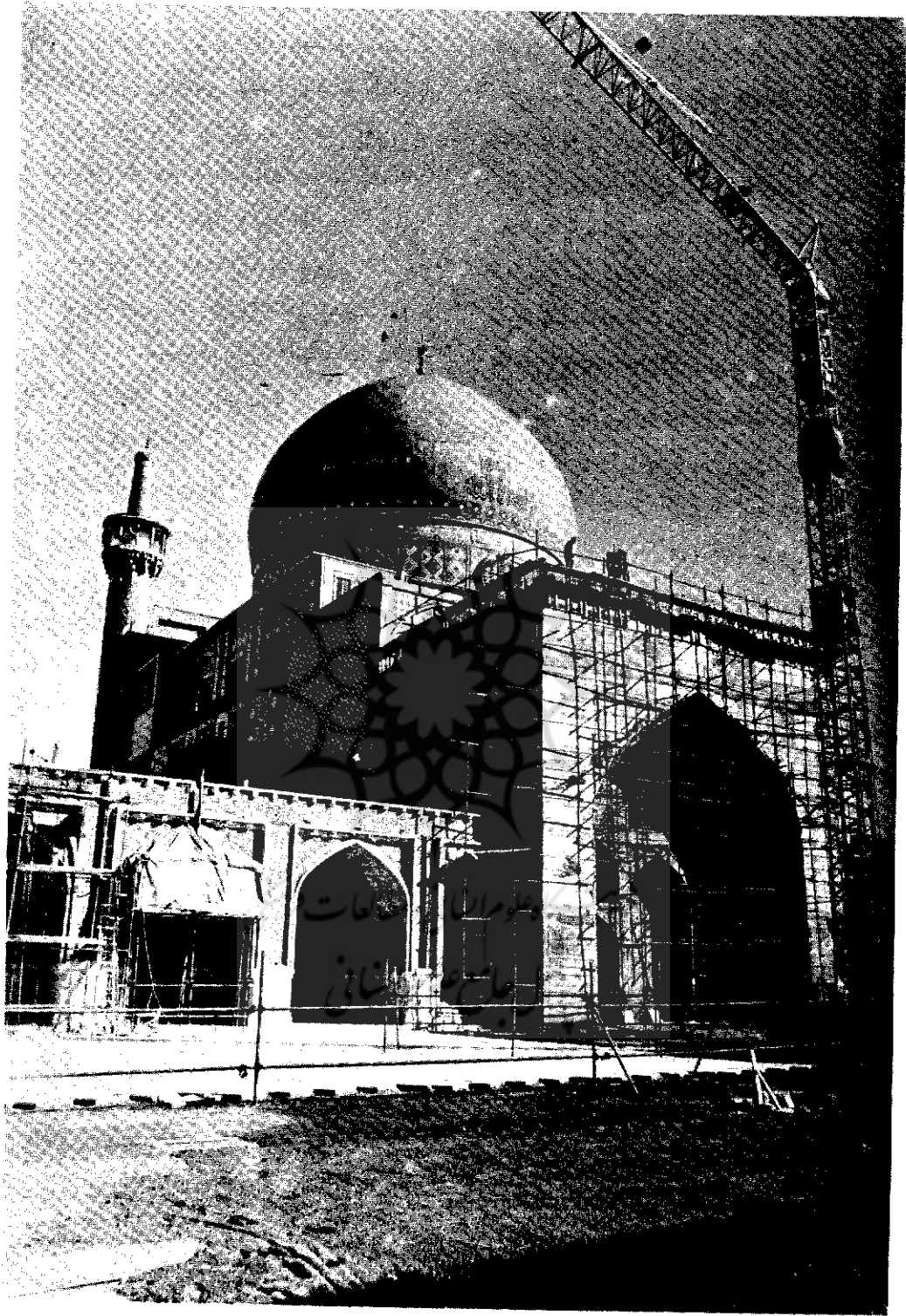


مقدس روبرو هستیم که زائرین را از دورترین تا نزدیک ترین نقاط کشور و حتی خارج از این سرزمین با شوق و دل بستگی و ایمان به سوی خود می کشد. زائر، باید به هنگام ورود و اقامت، حوائج و نیازهای معنوی و دنیائی اش برآورده شود و ما او را چونان مهمانی عزیز و گرامی باید سرویس دهیم. طبیعی است کسی که برای زیارت قبر امام هشتم شیعیان امام رضا(ع) می آید نخست نیاز به تطهیر دارد. برای این منظور طرح ایجاد حمام ها و سرویس های بهداشتی در

سطحی وسیع پیش بینی شده است. از سوی دیگر، همین زائر وقت اقامت، سوای زیارت و دعا، احتیاج به مطالعه و خواندن و دانستن دارد و باید وقت بازگشت، بار فرهنگی لازم را از این

سفر روحانی اندوخته باشد. پس ایجاد و برپایی کتابخانه ای بزرگ که بتواند هم جوابگوی افراد متخصص و هم غیرمتخصص باشد، ضروری بود؛ کتابخانه ای که در طول ایام روز، بطور مکرر، با ارائه فیلم و عکس و اسلاید در زمینه های مختلف مذهبی و فرهنگی، حتی بتواند مراجعه کنندگان کم سواد و بی سواد و یا محقق را هم یاری دهد. لذا ساختمان کتابخانه ای بزرگ، از دیگر زمینه های این طرح بوده است که به مورد اجرا درآمده و قسمت عمده بنای آن رو به اتمام است.

از دیگر زمینه های عمده و اساسی طرح، ایجاد و برپایی مهمانسرای بزرگ حضرت است؛ جایی که میهمانان و زوار عزیز بتوانند در طول اقامت، حتی اگر شده یک روز پذیرایی شوند. و



این همان امر مهمی است که همواره مورد نظر امام هشتم بوده است. در روایات مشهور است که حضرت علی بن موسی الرضا (ع) همه گاه، با میهمانان خود غذا میل می نمودند. حتی وقتی که به حضرتش زهر خوراندند. امام که در جمع میهمانان خود بودند، آنقدر تحمل و صبر اختیار کردند تا آنان غذایشان را صرف کنند و سپس بناچار ناراحتی مسمومیت خود را آشکار ساختند. با توجه به این اهمیت و گرمی داشت میهمانان حضرت و اینکه هر زائری برای صرف غذای متبرک امام، آرزو دارد بر سر سفره آن حضرت بنشیند، در طرح برای برپایی این میهمانسرا در ابعادی وسیع و کیفیتی فراخور شأن و منزلت امام بزرگوار، اعتبار خاصی در نظر گرفته شده است.

از دیگر موارد بازهم عمده طرح، تاسیس و برپایی دارالشفای بزرگ و مجهزی است که بتواند در سطحی گسترده بیماران را مورد مداوا قرار دهد. تجربه و آمار نشان می دهد که تعداد مراجعه کنندگان به دارالشفای حضرت امام رضا (ع) چندان کمتر از تعداد مراجعه کنندگان به بیمارستان بزرگ شهر مشهد نیست و دلیل عمده آنست که بیماران، هم برای مداوای جسم و تن و هم بدلیل شفای روح و روان به دارالشفای امام مراجعه می کنند.

ایجاد و برپایی اماکن عبادی، برای انجام مراسم نماز و سایر نیازهای عبادتی زائرین، مسئولان و طراحان را واداشته است تا با در نظر گرفتن روحیه و خصلت های گوناگون زائرینی که هر کدام از گوشه و کناری می آیند، اماکنی برپا شود تا آنان بتوانند در کنار یکدیگر و با

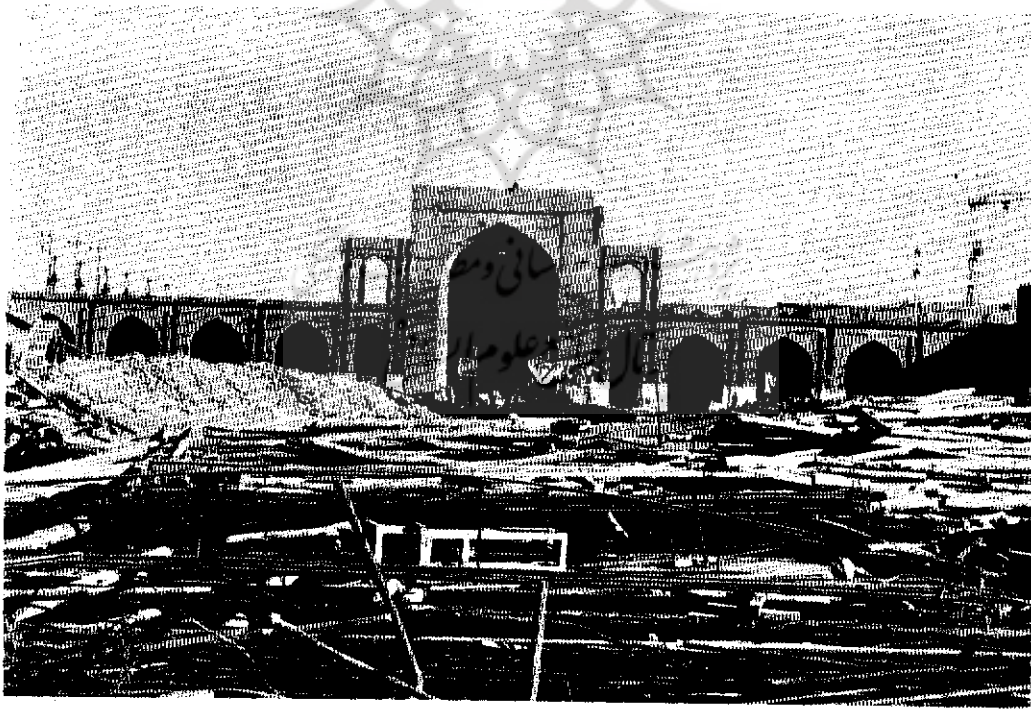
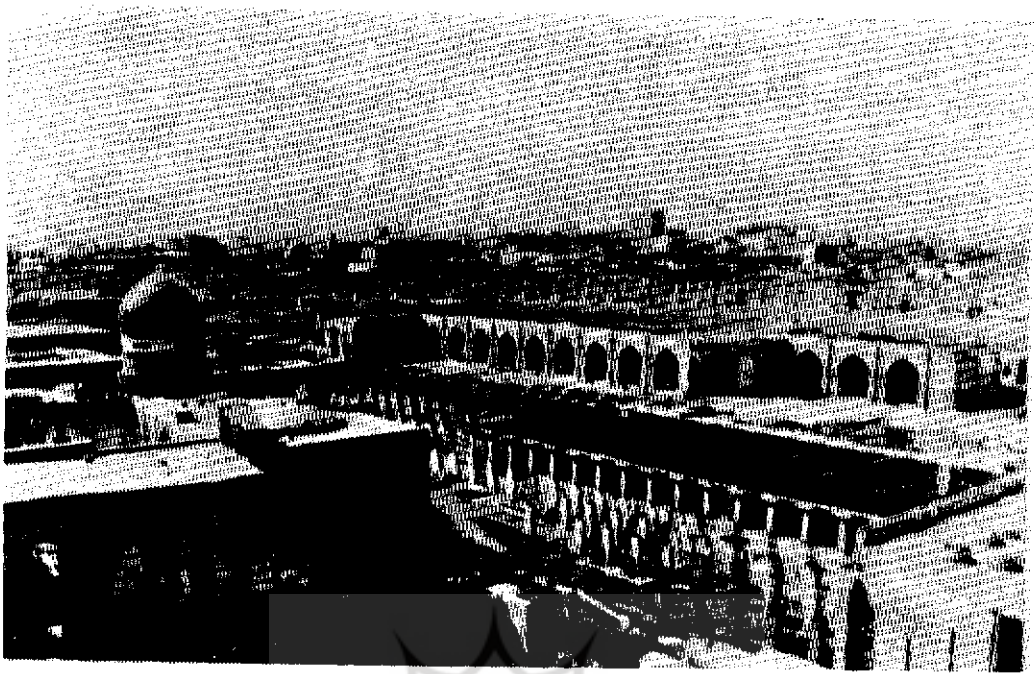
آرامشی و آسایش خیال به انجام فرایض مذهبی خویش مشغول شوند. یعنی در واقع این اماکن یکی دیگر از همان تکیه ها و محل هایی خواهد شد که در گذشته نیز رواج داشته است، همانند تکیه شیرازی ها و یا تکیه اصفهانی و... با این تفاوت که ما در این اماکن، در رابطه با بار فرهنگی که قبلاً نیز بدان اشاره کردیم، سعی نموده ایم تا با پیش بینی برپایی نمایشگاههای دائمی و موقت، همانند نمایش سیر تحولات ایران در مسیر انقلاب اسلامی و یا موارد دیگر، ارتباط فرهنگی و معنوی خود را با زائرین حفظ نمائیم.

این ابنیه در جوار و ارتباط کامل با ابنیه قدیمی آستان مقدس برپا میشود، به گونه ای که بار دیگر حرم مطهر چونان نگینی بر انگشتری بناهای قدیم و جدید بدرخشد و از آن حالت یادواره و بنای منفرد و یادبود مانند بیرون آید.

در کنار برپایی این ساختمان ها، ایجاد فضای سبزی هم در نظر گرفته شده است؛ فضایی نه تنها بدلیل سبزی و خرمی، که شاید قصد عمده این بوده است که به سهم خود، امکان این مهم را ایجاد کرده باشیم که اگر آیندگان نیاز به توسعه و یا افزودن بناهایی دیگر به مجموعه را داشته باشند، دستشان باز باشد و فضاهایی در اختیار داشته باشند.

با توجه به گستردگی طرح، آیا نمی شود گفت بار دیگر ما شاهد برپایی ابنیه ای هستیم که بیگانه با بافت اصیل شهر مقدس مشهد و جدا از آن ارتباط و رابطه تنگاتنگ مردم با آستان مقدس، تنها عملکرد ویژه و ضروری خود را دارا خواهد بود؟

● این طرح نه تنها هیچگونه لطمه ای به



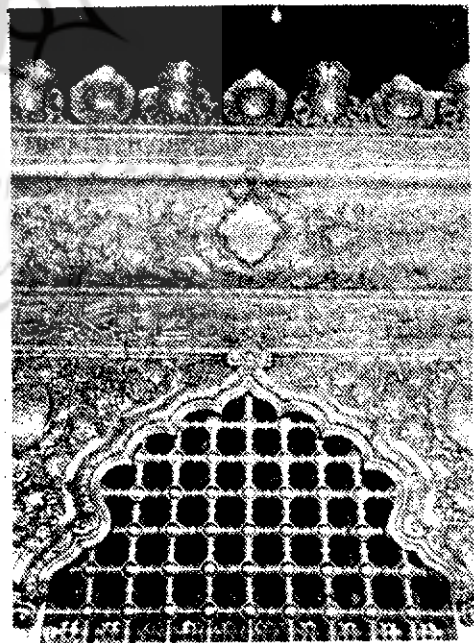
نظام گذشته ایجاد شده، برطرف شود و از میان برداشته شود. ما بازار بزرگ و کهنه شهر را دوباره با مجموعه بناهای آستان مقدس متصل خواهیم کرد؛ چرا که بر این ارتباط، اهمیت خاص و ویژه‌ای قائل هستیم.

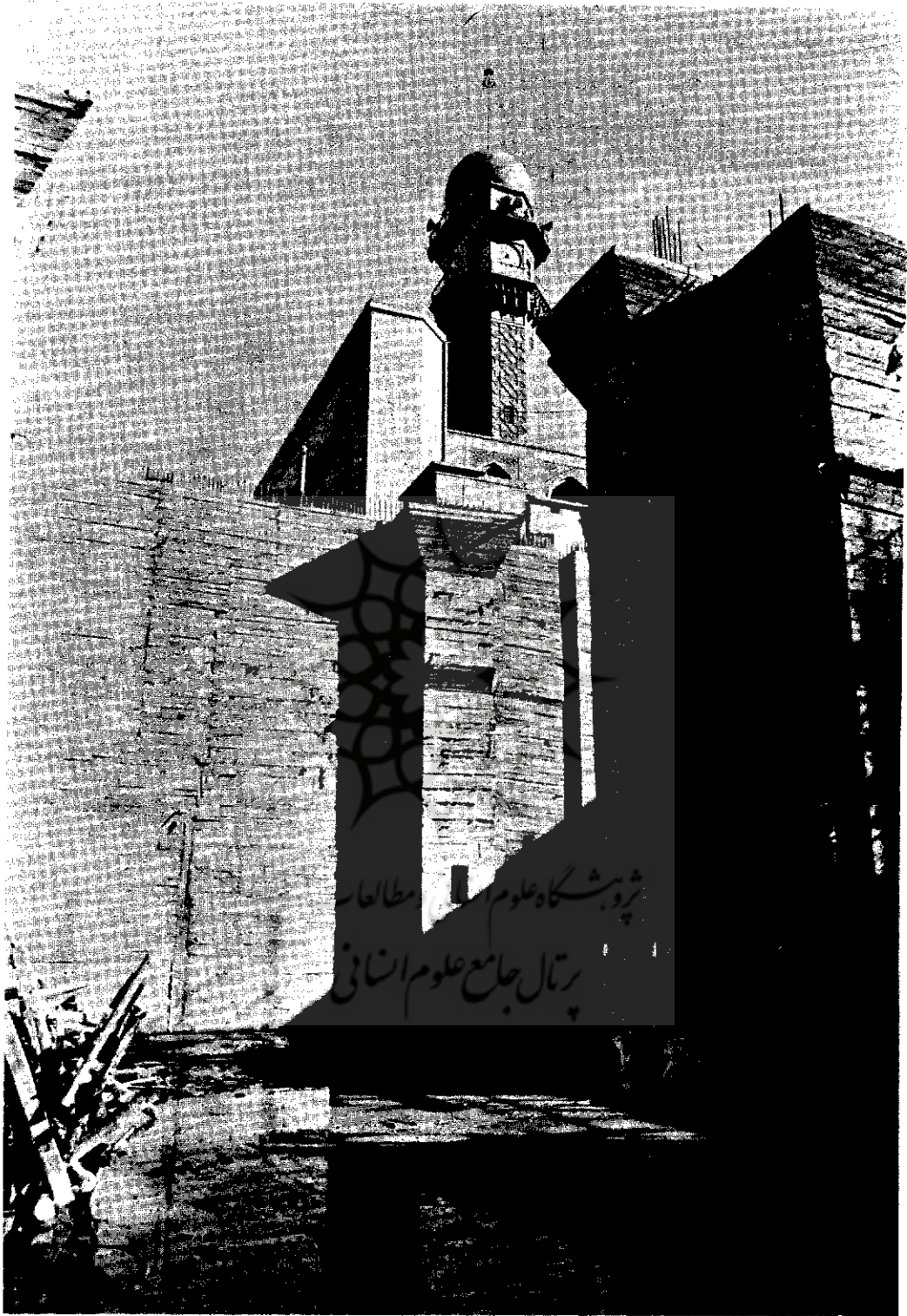
اگر فرض را بر آن بگیریم که در نظام گذشته چنین تخریب و اقداماتی در اطراف حرم مطهر انجام نگرفته بود و شما همچنان با همان بافت متراکم ساختمان‌ها و مغازه‌های اطراف حرم مطهر روبرو بودید، در این صورت، آیا ترجیح می‌دادید این بافت و تراکم باقی بماند و یا آنکه شما هم ناگزیر به تخریب و اقدامات فعلی می‌شدید؟

● این طرح، زائیده نیازها و شرایط زمانی و مکانی کنونی است. یعنی ما بدلیل مواجه بودن با چنین فضاها و وسیعی، طرح را توسعه داده و پیاده کرده‌ایم. بدیهی است اگر چنین تخریبی انجام نگرفته بود و ما ناگزیر به پیاده کردن طرح خدماتی و فرهنگی خود بودیم، لابد ملاحظات دیگری پیش می‌آمد.

ببینید، من جای دیگر، روی این مسئله گسترش و نوسازی و برپایی بناهای مختلف در ادوار گوناگون در آستان مقدس رضوی اشاراتی داشته‌ام. بدین معنی که در هر دوره‌ای بنا به ضرورت و احتیاجات زمان و خواست مردم، زمامداران وقت دست به نوعی جایجائی و حتی تخریب هم در بافت اطراف حرم مطهر زده‌اند؛ با این تفاوت که خدمات مفیدی را بدنبال آن ارائه داده‌اند. معروف است در زمان حکومت شاه عباس، بخشی از صحن کهنه، مدرسه طلبه‌ها بوده. برای اینکه این صحن گسترش یابد و مدرسه

بافت شهر نخواهد زد، بلکه گذشته از برآوردن نیازهای معنوی و خدماتی زائرین، می‌تواند از نقطه نظر معماری و حفظ اصالت‌های معماری ایرانی - اسلامی، منطق‌هایی را هم به بافت شهر دیکته کند. اصولی در طرح برای پیوستن به شهر مورد مطالعه قرار گرفته است؛ همین است که دیوار جدا کننده و به عبارت دیگر پنهان کننده بافت کهنه شهر، که تنها بدلیل نوعی ایجاد پوششی ظاهری در نوسازی حریم اطراف حرم مطهر در گذشته در میدان بنا شده برداشته خواهد شد. بخشی از طرح متصل خواهد شد به قسمت‌هایی از بافت کهنه شهر، به همان کوچه‌ها و پس‌کوچه‌های باقی مانده از آن تخریب. به عبارت دیگر، در طرح جدید کوشش بر آن بوده است تا مگر موانع رابطه حرم مطهر با مردم که بوسیله تخریب و یا باصطلاح نوسازی





پیشگاه علوم
رسال جامع علوم انسانی

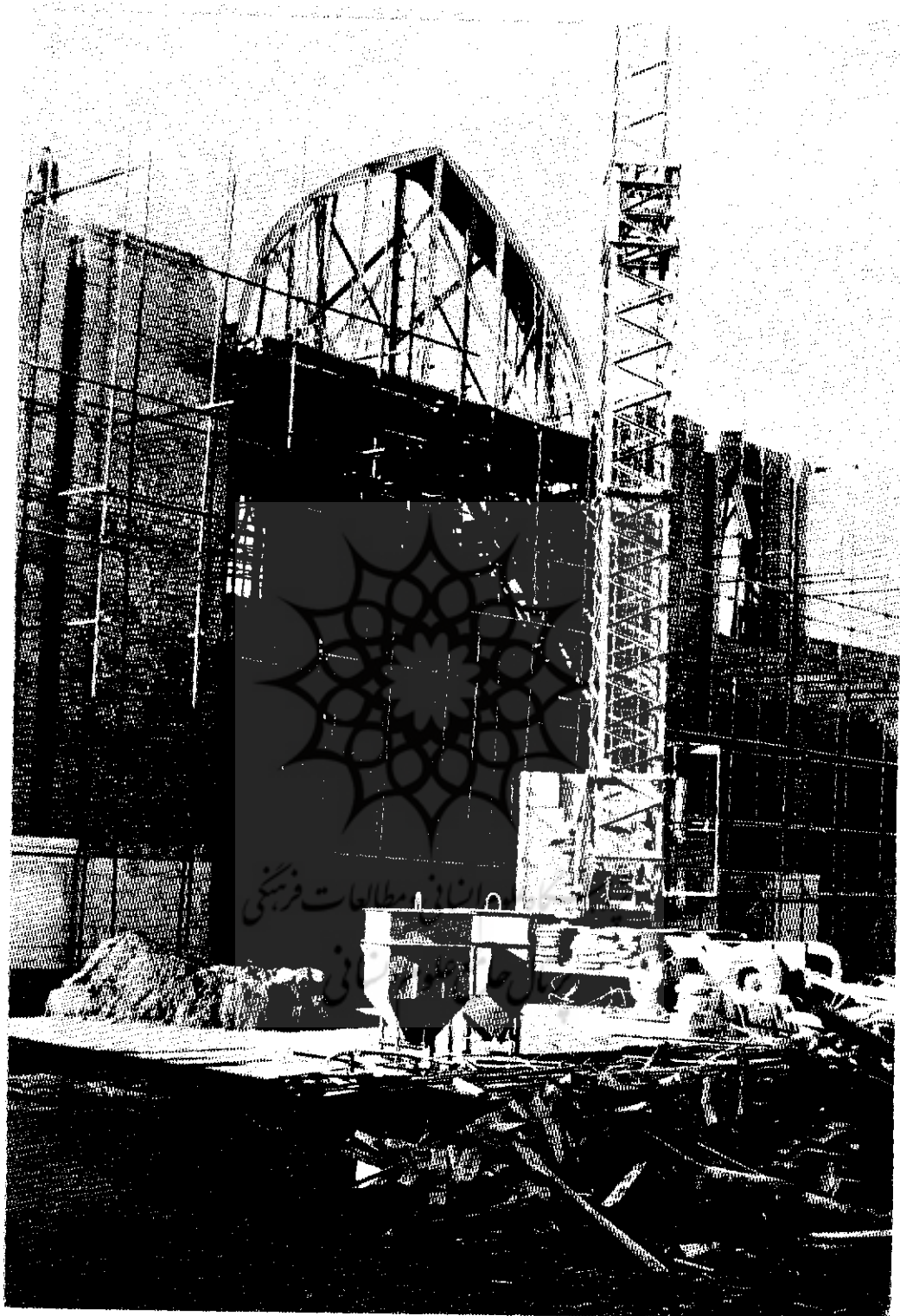
جزء صحن شود، می‌آیند طلبه‌ها را برای مدتی به خواجه ربیع دعوت می‌کنند. در طول این مدت غیبت، مدرسه را خراب می‌کنند و اقدامات تازه ساختمانی را به مرحله اجرا در می‌آورند. این نوع گسترش و جابجائی در طول تاریخ مکرر در ابنیه آستان مقدس انجام گرفته که بی‌تردید تمام این اقدامات بنا به ضرورت و احتیاجات زمان خود بوده است. نمی‌گویم صرفاً نیازها و احتیاجات خدماتی. گاهی حتی پاره‌ای از سلاطین برای جلب توجه مردم به خودشان، حتی برای مطرح کردن قدرت خودشان، دست به چنین تخریب و ایجاد بناهایی زده‌اند، اما در محدوده امکانات و مقدرات. مثلاً در دوره تیموریان، مسجد جامع گوه‌رشاد به لحاظ وجود امکانات، با ارتفاع فعلی اش ساخته می‌شود. اما در همین حال، مشاهده می‌کنیم که ابعاد صحن مسجد نسبت به گنبد و گلدسته و ستون‌ها، خیلی کوچک است. معلوم است که معماران بر این عدم تناسب صحن و معماری بنای مسجد آگاه بوده‌اند، اما چاره‌ای نداشته‌اند. چون امکان تخریب و گسترش بیشتری در سطح نبوده، ناگزیر تن در داده‌اند به همان امکانات و فضای موجود.

ما امروز فضا و ابعاد گسترده‌ای در اختیار داریم. به همین دلیل هم توانسته‌ایم طرح را گسترده‌تر پیاده کنیم. چه، در غیر این صورت، شاید هم ناگزیر می‌بودیم اولویت‌ها را در نظر بگیریم و محدودتر از طرح فعلی عمل کنیم.

با توجه به همجواری و رابطه تنگاتنگ بناهای طرح جدید با ابنیه اسلامی و کهن آستان قدس رضوی، رعایت پیاده کردن اصول معماری اسلامی و

سنتی ایران در طرح، امری اجتناب‌ناپذیر و چه بسا واجب است. در مورد ایجاد این همگونی و تناسب چگونه چاره‌جویی کرده و اندیشیده‌اید؟ در جایی که هم تکنیک کار با گذشته متفاوت است، هم مصالح کار دگرگون شده و هم سلیقه‌ها و نیازها به گونه‌ای دیگر است

● مسلماً ما اصول منطقی و اصیل معماری اسلامی و سنتی ایران را در پیاده کردن بناهای این طرح، کاملاً در نظر داشته‌ایم و حتی به کاربرد آن اعتقاد داریم. اما ما وقتی از معماری ایرانی - اسلامی این سرزمین سخنی به میان می‌آوریم، بدان معنا نباید تعبیر شود که از نوآوری و کاربرد مصالح و تکنیک‌های معماری عصر خود گریزانیم. تلاش ما تلفیق و رعایت این اصول با معماری پیشرفته‌تر زمان خود است. یعنی اینکه ما باید بدنبال تفکر و عمق نهفته در معماری اسلامی مان باشیم و نه تکرار مکررات؛ همان تفکر و اندیشه‌ای که سبب گردیده است تا معماری اسلامی ما هرگز کهنه و بی‌کاربرد منطقی و اساسی اش در هر دوره‌ای نگردد. ما بناهای خود را بر پایه این اصول طراحی کرده و بر پایه می‌سازیم، البته با مدد از تکنیک معماری زمان خود و مصالح جدید. بطور مثال ما در حال حاضر در کار ساختن رواقی هستیم به زیربنای ۲۵۰۰ متر مربع این رواق با چنین زیربنایی با استفاده از تکنیک و مصالح جدید معماری، امکان استفاده از ستون‌های نازک را برای ما مهیا ساخته است. اما در عمل می‌بینیم که این ستون‌های نازک هیچگونه همگونی و تناسبی با معماری ابنیه قدیمی و رواقهای مجاور آن ندارد. خوب،





گرفته ایم، با همان ابعاد ستون‌های رایج در گذشته است، با این تفاوت که درون ستون‌ها خالی است و از این فضای خالی، به عنوان کانال برای تهویه این محیط وسیع و انبوه جمعیت استفاده کرده ایم. و یا در مورد خیابان‌های اطراف حرم که بار اساسی ترافیک شهر را بردوش دارد، ما از یک سومی بایست جوابگوی مسئله ترافیک شهر باشیم و از سوی دیگر معیارها و موازین معماری ایرانی - اسلامی را نیز از یاد نبریم. پس نخست با ایجاد خیابان زیرزمینی در اطراف مجموعه، ترافیک را به داخل این زیرزمین می‌کشانیم تا مگر

در این مورد اشکالی نمی‌بینیم که برای هماهنگی و رعایت و تناسب با سایر بناها، از پیل پایه استفاده کنیم. می‌دانید که استفاده از پیل پایه در معماری گذشته ما، بیشتر بدلیل ضعیف بودن و عدم تحمل مصالح در نگاهداشت بنا بود. امروز با توان و قدرتی که مصالح جدید دارا هستند، می‌توان از ستون‌های نازک سود جست و پیل پایه را کنار گذاشت. اما ما این تقلید را به احترام رعایت موازین و اصول کهن معماری متداول سایر رواقها روا می‌دانیم. پس پایه ستون‌هایی را که برای این رواق در نظر

از ازدحام و ترافیک در اطراف حرم مطهر بکاهیم و مزاحمت‌های دیداری و شنیداری ترافیک را از بین ببریم و بگونه‌ای منطقی جوابگوی این مسئله باشیم. اما آیا می‌توانستیم غافل از کل اصولی که در رابطه با موازین معماری که در طرح و نیز ابنیه کهن آستان مقدس پیاده شده است، این خیابان زیرزمینی را احداث کنیم؟ مسلماً نه. پس حتی در طرح این خیابان زیرزمینی کوشش شده است تا با رعایت اصول معماری خودمان، تا آنجا که مقدور بوده است، از بیگانگی و بی‌هویتی آن در رابطه با سایر بناهای طرح جلوگیری کنیم و زائری که از داخل این زیرگذر عبور می‌کند، خودش را به یکباره در فضایی مدرن و یا غریبه و بی‌هویت احساس نکند و میان فضای بیرونی و داخلی دچار سرگردانی و آشفتگی نشود. پس همانگونه که ملاحظه می‌کنید، ما در حد امکانات، تجربیات و مقدرات، از اصول معماری مدرن سود می‌جوئیم و این اصول را در اختیار اهداف و نقطه‌نظرها و آرمان‌های معماری ایرانی - اسلامی خود قرار می‌دهیم.

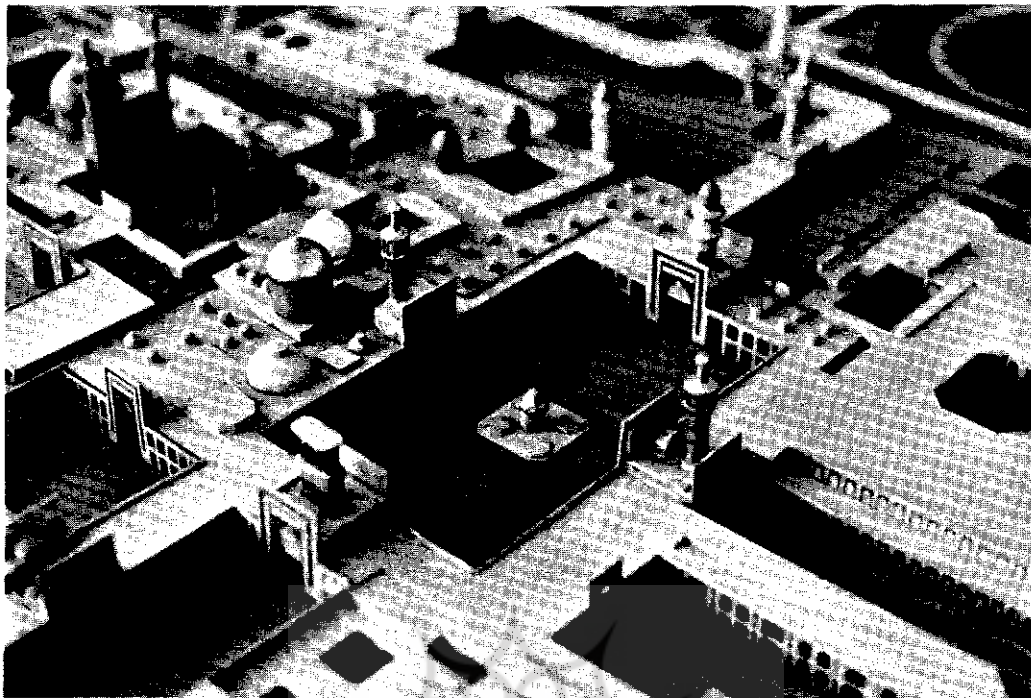
با توجه به رعایت اصولی که از آن یاد کردید، نیاز به همکاری و حضور معماران و هنرمندان سنتی و با تجربه نیز در اجرای کامل و دقیق طرح، باید امری حتمی و غیرقابل انکار باشد؛ همان معماران و هنرمندان با ذوقی که تا به امروز، تمامی شیوه و شگردهای معماری و هنر اسلامی سرزمین ما را، سینه‌به‌سینه، نسل‌به‌نسل حفظ کرده‌اند و در نگاهداشت این ارزش‌ها همت نموده‌اند. در این مورد آیا اقدامی شده است؟

● نه تنها از آنان دعوت شده، بلکه باید

اذعان کنم که طراحان واقعی این طرح، خود این معماران سنتی بوده‌اند؛ همان کسانی که عمرشان در بازسازی و مرمت ابنیه آستان مقدس گذشته است. خوب یاد دارم وقتی در گذشته، اطراف حرم را تخریب کردند، ما گوشه‌ای با همین معماران سنتی می‌نشستیم، اوقات فراغت برای خودمان به طراحی و کشیدن نقشه‌ای، برای برپایی بناهایی و هویت بخشیدن بیشتر به مجموعه آستان.

آن روزگار اصلاً حتی تصورش را نمی‌کردیم که بشود این نقشه‌ها را روزگاری پیاده کرد. اما بیاری خداوند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توفیق انجام این خدمت را یافتیم. منظورم از ذکر این نکته تأکید بر حضور کارساز و مؤثر معماران سنتی و با تجربه در اجرای این طرح است. آنان با همکاری و یاری سایر معماران و مهندسين، در اجرای این طرح سهمی به سزا و فراخور تحسین دارند. این مشارکت نتیجه همان تلفیق و هماهنگی میان دوشیوه معماری ایرانی - اسلامی و معماری مدرن و جدید است. برای ما جای بسیار خوشوقتی و رضایت است که بعد از سالها گوشه‌نشینی و عزلت این معماران سنتی، موفق شده‌ایم بار دیگر از نیرو و هنر کارسازشان بهره‌ها بگیریم. و اگر حمل بر خودستایی نشود، گامی تازه در احیای اصول معماری و هنر اسلامی برداریم.

درباره کاربرد هنرهای ظریفه و تزئینی چه کرده‌اید؟ جایی که قصد نوعی احیای معماری اسلامی و سنتی در میان است، ضرورتاً مسئله تزئین این بناها وسیله کاشیکاری و گچبری و سایر هنرها نیز



بخشی از ماکت طرح جدید ابنیه آستان قدس

اسلامی سنتی مان، از تجارب معماران گذشته و حال سود جسته ایم، درباره هنرهای تزئینی نیز قصدمان این است که صرفاً مقلد و دنباله رو طرحها و رنگهای ثابت و مکرر گذشتگان نباشیم، بلکه با احتیاط و دقت عمل در اینکه از اصالت و هویت این هنرها دور نشویم، نوآوری و ابداع را هم ضروری دانسته ایم. به همین دلیل است که کاشی های معرق بکار رفته در ابنیه جدید، خود، دارای طرحی جدید و ابتکاری است. کاشی های خشت هفت رنگ و سایر تزئینات نیز به سهم و ابتکار هنرمندان ما تا حدودی متحول شده است. بطور مثال در شیوه مقرنس سازی، هنرمندان ما ابتکار عمل نوینی بخرج داده اند.

اگر در تاریخ هنر اسلامی ایران ملاحظه و مطالعه دقیقی نمائیم، در می یابیم که هنر پویای

مطرح می شود.

آیا از هنر و تجربه هنرمندان هنرهای ظریفه نیز سود جسته اید؟

● پوشش تزئینی ابنیه در دست ساختمان بی تردید می بایست در هماهنگی و تناسب با سایر ابنیه کهن آستان قرار گیرد. برای نیل به این هدف و مقصود، ما همگام با استفاده از تجربه و هنر معماران سنتی، از هنرمندان باهنر و تجربه هنرهای ظریفه نیز دعوت به همکاری نمودیم. شما هم اینک می توانید شاهد برپایی کارگاههای متعددی باشید که در آنها هنرمندان کاشیکار و گچپیر و سایر هنرهای ظریفه با جدیت و تلاش مشغول کار هستند. اما در مورد هنرهای تزئینی نیز ذکر نکته ای را ضروری می دانم. ما همچنانکه در روند احیای معماری ایرانی -

اسلامی ما، در کمتر دورانی دچار تکرار مکررات شده است. در هر دوره‌ای، ما شاهد ابتکاری و ادای سهمی هستیم، حتی اگر شده با کمک رنگ، با تغییر نقش. چون بهرحال، هنرمندان ما قصد داشته‌اند ضمن حفظ اصالت و استمرار این هنرها، حضور خودشان را و سهم هنری‌شان را نیز برای آیندگان بیادگار گذارند. به همین دلیل است که حق داریم و وظیفه داریم که به سهم خود، ابتکارات و ابداعاتی در روند ارزیابی ارزش‌های هنر اسلامی بیادگار بگذاریم. من از این فرصت استفاده می‌کنم و به بهانه و دلیل اجرای این طرح، از تمامی معماران با تجربه و هنرمندان صاحب ذوق هنرهای سنتی تقاضا دارم ما را در احیای این ارزش‌های غبار گرفته یاری دهند و تجارب و ذوقشان را، مهارت و شگردهایشان را از ما دریغ ندارند.

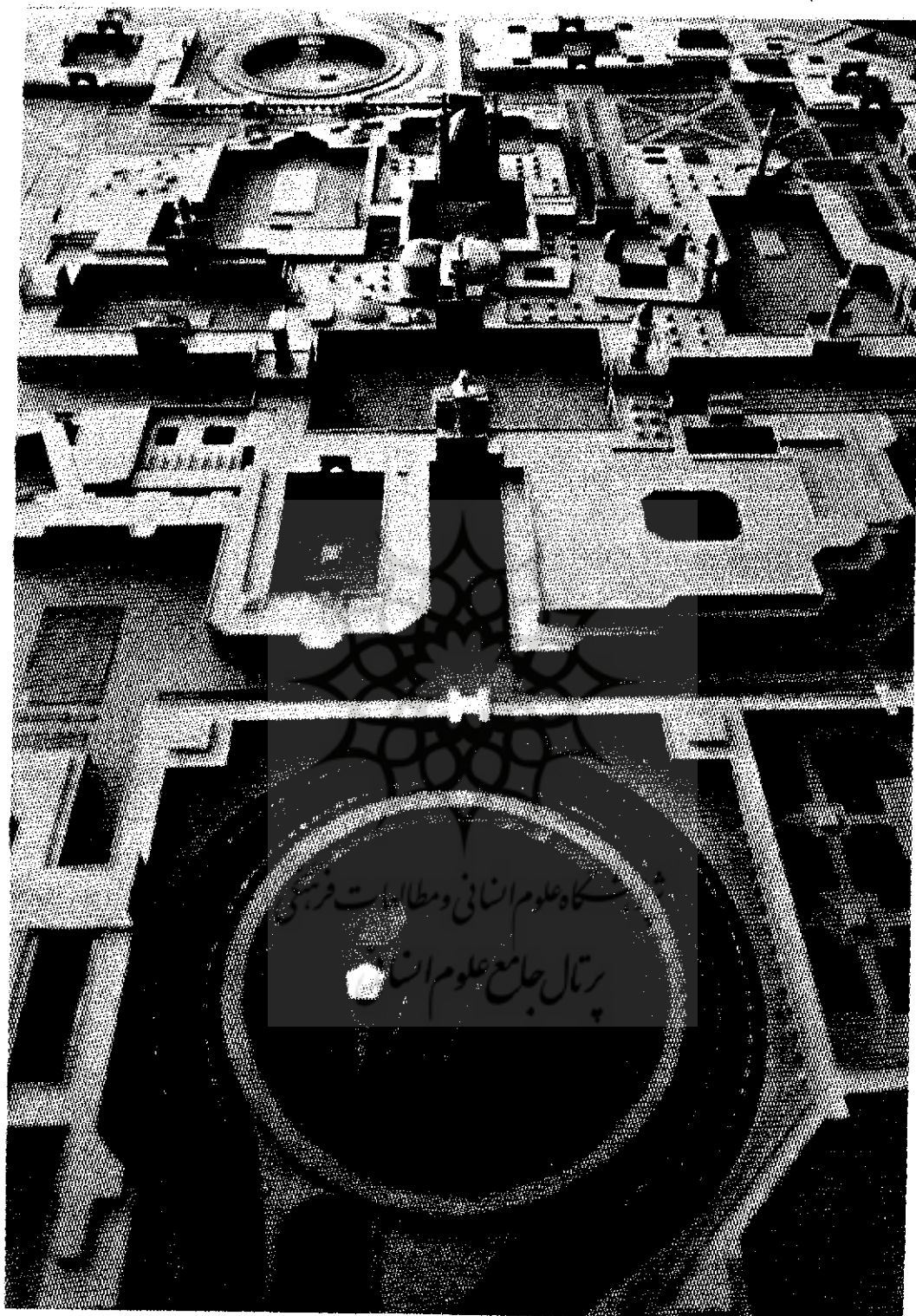
آیا نقشه و طرح ابنیه جدید آستان قدس، حاصل کار و تلاش گروهی محدود از افراد مطلع و کارآموده است و یا اینکه تا هنگام اجرای طرح، مطالعات و پژوهش‌های لازم با یاری سایر مؤسسات تحقیقاتی و با استفاده از تجربه دیگرانی که در حال حاضر حضوری در اجرای طرح ندارند صورت گرفته است؟

● ما به وقت پژوهش و مطالعه در ایجاد مقدمات تهیه طرح، کار را به دو بخش تقسیم کردیم. نخست قسمت داخلی فلکه که شامل ابنیه‌ای می‌شد که متصل به مجموعه حرم مطهر می‌گردید، و دیگر قسمت خارجی فلکه که خود نیازمند مطالعاتی جداگانه بود. در قسمت داخلی که حالت گسترش طولی و عرضی بیوتات متبرکه

را دارد، امور فنی آستان قدس کار انجام آنرا همانگونه که ذکر گردید، با کمک معماران سنتی و سایر مهندسين با تجربه بر عهده دارد.

در نخستین گام تهیه این طرح، ما گذشته از مطالعات و پژوهش‌های لازم که خود انجام داده بودیم، با برپایی یک مسابقه همگانی، در دو مرحله از کلیه صاحب‌نظران و معماران، دعوت به شرکت در این مسابقه و ارائه طرح‌ها و نقطه‌نظرهای آنان بعمل آوریم. در پایان این مشارکت گروهی، هر کدام از طرح‌های ارائه شده، مورد سنجش و مطالعه و نقد و بررسی قرار گرفت، اما هیچکدام بسنده و کافی در اجرای ابعاد مورد نیاز طرح نبود. هر کدام حداکثر یک یا دو بُعد از مسایل مورد نیاز را دارا بود و چنان در سیطره این یک یا دو بُعد قرار گرفته بودند که گاه سایر ابعاد بکلی فراموش شده بود. با تمام این احوال، ما تمامی این مدارک را جمع‌آوری کردیم، نکات برجسته و ایده‌های قابل توجه هر طرح را مورد نظر قرار دادیم و سرانجام با ادغام این نقطه‌نظرها، طرح نهایی را با یاری معماران و مهندسين مطلع تهیه و از نظر اجرا آنرا به شرکت خانه‌سازی ایران که یک شرکت دولتی است واگذار کردیم.

اما نظارت کلی بر اجرای این طرح به صورت یک شرکت بزرگ اداره می‌شود. گذشته از نظارت مستمر و مداوم حضرت آیت‌الله... طیبی و استفاده از نظریات ارشادی ایشان، هشت نفر از برادران هیات عامل طرح که برخی از آنان از اعضای هیات امنای آستان قدس رضوی نیز هستند، با حضور قائم مقام آستان قدس، نظارت و مدیریت جدی و پی‌گیر در اجرای این طرح دارند.



بخشی از ماکت طرح جدید ابنیه آستان قدس

گذشت؟ آستان قدس رضوی را، مردم مسلمان این سرزمین و جهان اسلام از نخستین سنگ بنایش تا امروز برپا کرده و مخارجش را پرداخته‌اند. همین مردم امروز هم، چه بطور مستقیم و چه غیرمستقیم، تمام مخارج اجرای این طرح را برعهده دارند. ما به سهم خود، تنها، خدمتگزارانی هستیم که با بضاعت و توان ناچیز خویش، افتخار اجرای این طرح را داریم، وگرنه مابقی نقش را مردم مسلمان و انقلابی ما برعهده دارند.

ما از همان آغاز اجرای طرح تاکنون، تماس و ارتباط دائمی خودمان را تا آنجا که مقدور بوده از مردم قطع نکرده‌ایم، از نقطه نظرها و آرایه سلیقه‌های بجا و قابل اجرای آنان بهره گرفته‌ایم. حتی هر هفته، روزی را اختصاص داده‌ایم به بازدید گروه‌های مختلف مردم از قسمت‌های به اجرا درآمده طرح، تا ضمن اینکه با آنان به بحث و گفتگو می‌شینیم، اهداف طرح را برایشان بازگو کنیم و از نقطه نظرهایشان آگاه شویم؛ چرا که ما برای این ارتباط اهمیت خاصی قائل هستیم و معتقدیم بی مشارکت مستقیم مردم که خشت خشت این مکان برایشان مقدس است و قابل احترام و اعتنا، ما در کار خود موفقیتی کسب نخواهیم کرد. به همین دلیل، به عنوان یک مسئول و خدمتگزار کوچک این طرح، از تمامی مساعدت‌ها و همکاری‌های بی‌دریغ مردم مسلمان و انقلابی که هرکدام به سهم توان و بضاعت خویش، ما را تا بحال در اجرای این امر مهم و مقدس یاری داده‌اند، قدرشناسی و برایشان آرزوی سعادت و توفیق اخروی می‌نمایم.



این برادران در هر پانزده روز یک بار تشکیل جلسه می‌دهند و در واقع، نقش هیأت مدیره این شرکت را برعهده دارند. نقطه نظرهای این برادران، وسیلهٔ مسؤل اجرای طرح که در حقیقت نقش همان مدیرعامل شرکت را دارا است، مورد نظر و اجرا قرار می‌گیرد.

مردم چگونه در ارتباط با طرح فرار گرفته‌اند؟ آیا اصولاً ضرورت مشارکت مردم در کار برپایی ابنیه آستان قدس رضوی و سایر اقدامات خدماتی برای مسؤلان اجرای این طرح مطرح بوده است؟ و مهم‌تر، مردم تا بحال چه نقشی در آرایهٔ کمک‌های فکری و مالی در کار اتمام این طرح داشته‌اند؟

● مگر می‌شود در اجرای طرحی اینچنین پردامنه و وسیع، آنهم در رابطه با آستان مقدس امام رضا (ع) نقش و مشارکت مردم مسلمان و با ایمان ایران را نادیده گرفت و از کنار آن